



رأی شماره: ۱۳۷۸/۱/۲۴-۶۳۱

بسمه تعالیٰ

### رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

با مستفاد از ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی که هرگاه بعد از صدور حکم معلوم شود محکوم علیه دارای محاکومیتهای کیفری دیگری نیز بوده که در موقع انشاء رأی مورد توجه واقع نشده است، به منظور اعمال و اجرای مقررات مربوط به تعدد جرم، در صورت مختلف بودن مجازاتهای دادگاه صادر کننده حکم اشد و در صورت تساوی مجازات‌ها، دادگاهی که آخرین حکم را صادر کرده باشست مبادرت به اصدار حکم تصحیحی نماید. علیهذا رأی شعبه ۲۸ دیوان عالی کشور که با این نظر مطابقت دارد منطبق با روح قوانین و اصول و موازین قانونی تشخیص و به اکثریت آراء تأیید می‌گردد. این رأی به موجب ماده واحد قانون وحدت رویه قضایی مصوب تیرماه ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها در موارد مشابه لازم الاتّباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

جمهوری اسلامی ایران  
قوه قضائیه  
دیوان عالی کشور  
اداره کل وحدت رویه و نشر مذکرات و آراء هیأت عمومی

رأی شماره : ۱۳۷۸/۲/۱۴-۶۳۲

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

گرچه به شرح ماده ۲ لایحه قانونی صید غیرمجاز از دریای خزر و خلیج فارس مصوب ۱۳۵۸/۵/۱۵ صید ماهی خاویاری (تاسماهیان)، تهییه خاویار همچنین عرضه، فروش، حمل، نگاهداری و صدور آنها بدون اجازه شرکت سهامی شیلات ایران ممنوع اعلام و تصریح گردیده مرتکبین طبق قانون مجازات مرتکبین قاچاق تعقیب و مجازات می شوند، لکن چون مقررات بند((د)) ماده ۲۲ قانون حفاظت و بهره برداری از منابع آبزی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۴/۶/۱۴ مجلس شورای اسلامی که از تاریخ ۱۳۷۴/۸/۱ لازم الاجراء شده از نظر مجازات اخف از مجازات مقرر در ماده یک اصلاحی قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب ۱۳۵۳/۱۲/۲۹ می باشد و از جهات دیگر هم مساعد به حال مرتکب است، بنابراین به حکم ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامی مصوب مردادماه ۱۳۷۰ در مورد جرائم سابق بر وضع قانون مذکور تا صدور حکم قطعی مؤثر خواهد بود و از آنجا که مطلق واژه دادگاه مذکور در قسمت اخیر بند ((د)) ماده ۲۲ قانون حفاظت و بهره برداری از منابع آبزی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۴/۶/۱۴ مقيده به قيد انقلاب نیست و ظهور در دادگاه های عمومی دارد و مقررات مواد ۱ و ۳ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب هم اين مطلب را تأييد می نماید، بنابر اتاب دادنامه شماره ۳۵۵-۳۱/۴/۳۱ ۱۳۷۵ شعبه اول دادگاه تجدیدنظر استان مازندران که به شرح آن در مقام حل اختلاف به صلاحیت دادگاه عمومی بندر ترکمن اظهار نظر شده به اکثریت آراء نتیجتاً صحیح و منطبق با موازین قانونی تشخیص می شود.

این رأی بر طبق ماده ۳ از مواد اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۳۷/۵/۱ برای دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۷۸/۲/۱۴-۶۳۳

بسمه تعالیٰ

### رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

گرچه طبق ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی مادام که مهریه زوجه تسلیم نشده، در صورت حال بودن مهر، زن می‌تواند از اینفاء وظایفی که در مقابل شوهر دارد امتناع کند و این امتناع مسقط حق نفقه نخواهد بود، لکن مقررات این ماده صرفاً به رابطه حقوقی زوجه و عدم سقوط حق مطالبه نفقه زن مربوط است و از نقطه نظر جزایی با لحاظ مدلول ماده ۶۴۲ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ مجلس شورای اسلامی که به موجب آن حکم به مجازات شوهر به علت امتناع از تأديه نفقه زن به تمکین زن منوط شده است و با وصف امتناع زوجه از تمکین ولو به اعتذار استفاده از اختیار حاصله از مقررات ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی حکم به مجازات شوهر نخواهد شد و در این صورت حکم شعبه دوم دادگاه عمومی تهران مشعر بر برائت شوهر از اتهام ترک اتفاق زن که با این نظر مطابقت دارد، با اکثریت قریب به اتفاق آراء صحیح و قانونی تشخیص می‌شود.

این رأی وفق ماده ۳ از مواد اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۳۷ برای دادگاه‌ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۷۸/۳/۱۸-۶۳۴

بسمه تعالیٰ

### رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

قرارهای مذکور در ذیل بند ب ماده ۱۹ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب که به تبع حکم راجع به اصل دعوی قابل درخواست تجدیدنظر می باشد، قرارهایی است که نوعاً در دعاوی حقوقی صادر می شوند و ارتباطی به امور جزایی ندارد، بنابراین و با عنایت به مواد ۱۷۱، ۱۷۲ و ۱۸۰ قانون آینین دادرسی کیفری که قرار منع تعقیب متهم به علت عدم کفایت دلیل و یا جرم ندانستن عمل قابل شکایت معرفی شده اند، آراء صادره از شعب چهارم و پنجم دادگاه تجدیدنظر استان اردبیل که چنین قرارهایی را قابل رسیدگی تجدیدنظر تشخیص داده اند به اکثریت قریب به اتفاق آراء، صحیح و منطبق با موازین قانونی اعلام می نماید.

این رأی وفق ماده ۳ از مواد اضافه شده به قانون آینین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۳۷ در موارد مشابه برای دادگاه‌ها لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۷۸/۴/۸-۶۳۵

بسمه تعالیٰ

### رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

به صراحةً ماده ۴ قانون مجازات اسلامی، شروع به جرم در صورتی جرم و قابل مجازات است که در قانون پیش بینی و به آن اشاره شده باشد و در فصل مربوط به سرقت و ربودن مال غیر، فقط شروع به سرقت های موضوع مواد ۶۵۱ الی ۶۵۴ جرم شناخته شده است و در غیر موارد مذکور از جمله ماده ۶۵۶ قانون مجبور به جهت عدم تصریح در قانون، جرم نبوده و قابل مجازات نمی باشد مگر آن که عمل انجام شده جرم باشد که در این صورت منحصرًا به مجازات همان عمل محکوم خواهد شد. بنا به مراتب فوق الاشعار رأی شعبه ۱۲ دادگاه عمومی تهران در حدی که با این نظر مطابقت دارد موافق موازین قانونی تشخیص می گردد.

این رأی به استناد ماده ۳ اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۳۷ صادر و برای دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

جمهوری اسلامی ایران

قوه قضائیه

دیوان عالی کشور

اداره کل وحدت رویه و نشر مذکرات و آراء هیأت عمومی

رأی شماره : ۱۳۷۸/۴/۱۵-۶۳۶

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

لایحه قانونی احداث ترمینال های مسافربری و ممنوع بودن تردد اتومبیل های مسافربری بین شهری در داخل شهر تهران مصوب سال ۱۳۵۹ و قانون اصلاح لایحه قانونی احداث پایانه های مسافربری و ممنوعیت تردد اتومبیل های برون شهری در داخل شهر تهران مصوب ۱۳۷۲ که شامل شهرهای دیگر هم می شود و نیز آینین نامه اجرایی تبصره ماده ۲ قانون مذبور مصوب سال ۱۳۷۴ مجموعاً دلالت بر این امر دارد که غرفه های واقع در پایانه های مسافربری که به منظور تأمین رفاه و آسایش عامه مردم از طرف شهرداری به اشخاص واگذار می شود، همانند غرفه های مربوط به شرکت های مسافربری از شمول قانون روابط مؤجر و مستأجر مصوب سال ۱۳۵۶ خارج بوده و حقوق استیجاری و کسب و پیشه برای مستأجرین و متصرفین آنها ایجاد نخواهد کرد. چه آن که آینین نامه مربوط که به تصویب هیأت وزیران رسیده و متنضم این معنی است، مستند به قانون بوده، از اعتبار لازم برخوردار است و همچنین از نظر مصالح عمومی با مقررات مربوط به کیفیت واگذاری غرفه های مسافربری واقع در ترمینال ها مطابقت دارد، علیهذا رأی شعبه دوم دادگاه تجدیدنظر استان اصفهان که در تأیید حکم شماره ۱۳۷۵/۵/۴-۶۲۸ شعبه ۱۷ دادگاه عمومی اصفهان اصدار یافته و با این نظر موافقت دارد مطابق با موازین قانونی تشخیص می گردد. این رأی بر طبق ماده سه از مواد اضافه شده به قانون آینین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۳۷ صادر و برای کلیه دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۷۸/۶/۲-۶۳۷

بسمه تعالیٰ

### رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

به موجب بند ۴ ماده ۱۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری، متهم حق دارد نسبت به قرار بازداشت موقت (توقیف احتیاطی) اعتراض کند و با تصویب قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب در سال ۱۳۷۳ و انحلال دادسراهای تغییری در حق مذبور ایجاد نشده و طبعاً قرار بازداشت که به موجب قانون اخیر الذکر از جانب دادگاه و یا قاضی تحقیق صادر می شود، به علت عدم مغایرت با ماده ۱۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری و نظر به لزوم حفظ حقوق قانونی متهم، کما کان قابل شکایت و اعتراض از طرف متهم خواهد بود، مضافاً اینکه عدم قید قرار بازداشت در عداد قرارهای قابل اعتراض در بند(ب) ماده ۱۹ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب هم دلالت بر قطعیت قرار مذکور ندارد، چه آن که قرارهای مندرج در ماده مذبور کلاً ناظر به دعاوی حقوقی است و ارتباطی با مسائل کیفری ندارد، بناءً علیهذا رأی شعبه هشتم دادگاه تجدیدنظر استان تهران که به اعتراض متهم نسبت به قرار بازداشت موقت رسیدگی کرده، به اکثربت آراء موافق با موازین قانونی تشخیص می گردد.

این رأی بر طبق ماده ۳ اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری برای کلیه دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نشر مذکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۱۳۷۸/۶/۹-۶۳۸

بسمه تعالیٰ

### رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

به صراحت ماده ۷۱۸ قانون مجازات اسلامی ناظر به مواد ۷۱۴ الی ۷۱۷ همان قانون که مقرر داشته: هرگاه راننده یا متصدی وسایل موتوری که در حین رانندگی مرتکب قتل غیرعمد شده، در موقع وقوع جرم مست بوده یا پروانه نداشته باشد ... به بیش از دو سوم حداکثر مجازات مذکور در مواد فوق محکوم خواهد شد، موضوع از مصاديق بارز تعدد معنوی جرم می باشد زیرا چنانچه نظر مقنن بر اعمال مقررات مربوط به تعدد مادی جرم بوده که مستلزم تعیین مجازات جداگانه برای هریک از جرائم مذبور می باشد. با وجود مواد ۷۱۴ و ۷۲۳ و ۴۷ قانون مجازات اسلامی دیگر نیازی به وضع ماده ۷۱۸ آن قانون نبوده و با این اوصاف نداشتن پروانه رانندگی در چنین وضعیتی از موجبات مشدد جرم است که در خود قانون، مجازات خاص برای آن در نظر گرفته شده است، بنا به مراتب فوق الاشعار هیأت عمومی دیوان عالی کشور به اکثریت آراء رأی شعبه ششم دادگاه تجدیدنظر استان آذربایجان شرقی را که در مورد اتهام قتل غیر عمد بدون داشتن گواهی نامه رانندگی به استناد ماده ۷۱۸ قانون مارالذکر یک فقره مجازات برای متهم تعیین کرده منطبق با مقررات و موازین قانونی و صحیح تشخیص می دهد.

این رأی به موجب ماده ۳ اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۳۷ برای کلیه دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۷۸/۸/۱۱-۶۳۹

بسمه تعالیٰ

### رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نظر به اینکه مقررات ماده ۱۸ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب یکی از طرق فوق العاده رسیدگی نسبت به احکام قطعی است و تا زمانی که طریق عادی رسیدگی مفتوح باشد، مجالی برای ورود به مرحله رسیدگی فوق العاده نیست و با توجه به اینکه دادنامه غیابی، حکم غیرقطعی و قابل اعتراض و بعضًا قابل تجدیدنظرخواهی است و تا وقتی که مهلت واخواهی و تجدیدنظرخواهی سپری نشده و یا به اعتراض و تجدیدنظرخواهی رسیدگی نشده باشد، اعمال مقررات ماده مذکور نسبت به رأی غیابی وجاہت قانونی ندارد، بنا به مراتب حکم شعبه نهم دادگاه تجدیدنظر استان تهران که با این نظر مطابقت دارد به اکثریت آراء اعضاء هیأت عمومی دیوان عالی کشور تأیید می شود.

این رأی به استناد ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۷۸/۸/۱۸-۶۴۰

بسمه تعالیٰ

### رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

از بند ب ماده ۱۹ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب چنین مستفاد می شود که قرارهای مذکور در ماده یاد شده مربوط به امور حقوقی است نه کیفری، ضمناً از نظر تنقیح مناطق مستنبط از ماده ۱۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۲۹۰ که قرار اناطه را جزء قرارهای قابل شکایت دانسته و نیز با توجه به ماده ۷ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب که صرفاً احکام را قطعی اعلام نموده و اصل بر قابل اعتراض بودن قرارهایی است که اصدار آنها موجبات اضرار به حقوق اصحاب دعوی را فراهم می سازد و با توجه به این که معمولاً قرارهای قطعی در قانون ذکر می شود و چنین امری در ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری در خصوص قرار اناطه بیان نشده، به نظر اکثربیت اعضاء هیأت عمومی دیوان عالی کشور رأی شعبه ۱۸ دادگاه تجدیدنظر استان تهران دایر بر قابل تجدیدنظر بودن قرار اناطه منطبق با موازین قانونی تشخیص می شود.

این رأی بر طبق ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۷۸/۸/۲۵-۶۴۱

بسمه تعالیٰ

### رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

با توجه به اینکه طبق ماده ۱۱ قانون چک، در کلیه جرائم مربوط به چک، صادر کننده در صورتی قابل تعقیب کیفری است که دارنده در مدت شش ماه از تاریخ صدور برای وصول وجه چک به بانک محل علیه مراجعه و در مدت شش ماه از تاریخ صدور گواهی عدم پرداخت نیز شکایت نماید و خارج نمودن موارد منطبق با ماده ۱۳ اصلاحی قانون چک از شمول ترتیب فوق الذکر موجه و مستند به دلیل نیست، لهذا رأی شعبه ۲۸ دادگاه تجدیدنظر استان تهران که با این نظر مطابقت دارد به اکثریت آراء موافق با موازین قانونی تشخیص می گردد.

این رأی به استناد ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی کیفری دادگاه های عمومی و انقلاب صادر شده و در موارد مشابه برای دیوان عالی کشور و دادگاه ها لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۷۸/۹/۹-۶۴۲

بسمه تعالیٰ

### رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

به صراحت بند دو ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب اسفند ماه سال ۱۳۷۳، در موضوعات کیفری، در صورتی که حداقل مجازات بیش از ۹۱ روز حبس و حداقل آن کمتر از این باشد، دادگاه مخیر است که حکم به بیش از سه ماه حبس یا جزای نقدی از هفتاد هزار و یک ریال تا سه میلیون ریال بدهد، بنابراین تعیین مجازات حبس کمتر از نود و یک روز برای متهم مخالف نظر مقنن و روح قانون می باشد و چنانچه نظر دادگاه به تعیین مجازات کمتر از مدت مزبور باشد می بایستی حکم به جزای نقدی بدهد و با این کیفیات رأی شعبه ۱۲ دادگاه تجدیدنظر استان خراسان که حکم سه ماه حبس دادگاه عمومی را فسخ و متهم را به جزای نقدی محکوم کرده منطبق با این نظر است و به اکثریت آراء موافق موازین قانونی تشخیص می گردد.

این رأی بر طبق ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب (در امور کیفری) مصوب سال ۱۳۷۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۱۳۷۸/۹/۱۶-۶۴۳

بسمه تعالیٰ

## رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

با مورد لحاظ قرار دادن این امر که اصولاً بر طبق ماده ۵۵۹ قانون آیین دادرسی مدنی و بند دو ماده ۲۳ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب، دیوان عالی کشور در اظهارنظر در مورد صلاحیت محلی وارد نمی شود، چون به موجب ماده ۲۳ قانون آیین دادرسی مدنی رسیدگی به دعاوی راجعه به غیرمنقول اعم از دعوى مالکیت و سایر حقوق راجعه به آن، در دادگاهی به عمل خواهد آمد که مال غیر منقول در حوزه آن واقع است اگر چه مدعی و مدعی علیه مقیم آن حوزه نباشند و ماده ۳۶ قانون مذبور که صرفاً ناظر است به دعاوی مربوط به اصل شرکت و دعاوی بین شرکت و شرکاء و اختلافات حاصله بین شرکاء و ... شامل دعاوی مربوط به غیر منقول موضوع ماده ۲۳ قانون مارالذکر نمی شود و طبعاً رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه محل وقوع مال غیر منقول خواهد بود، لذا به نظر اکثریت اعضاء هیأت عمومی دیوان عالی کشور رأی شعبه ۲۴ دیوان عالی کشور که رسیدگی به دعوى مال غیرمنقول مربوط به شرکت را در صلاحیت دادگاه محل وقوع غیرمنقول دانسته و حکم دادگاه عمومی را در این زمینه تأیید کرده، صحیح و موافق موازین قانونی تشخیص می گردد.

این رأی بر طبق ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب مصوب سال ۱۳۷۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۱۳۷۸/۹/۲۳-۶۴۴

بسمه تعالیٰ

### رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

هرچند که ترقه دارای قابلیت انفجار می باشد ولی نگهداری آن دسته از ترقه هایی که قدرت انفجارشان در حدی نیست که مشمول مواد منفجره و محترقه اعلامی از طرف وزارت دفاع موضوع تبصره دو ماده یک قانون تشديد مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و قاچاقچیان مسلح مصوب ۱۳۵۰ باشد و سبب رعب و وحشت و ایذاء مردم شده و یا موجبات تخریب و یا صدمه و آسیب رساندن به افراد گردد. از شمول قانون تشديد مجازات قاچاق اسلحه و قاچاقچیان مسلح مصوب ۱۳۵۰ خارج است، بنابراین رأی شعبه چهارم دادگاه تجدیدنظر استان گلستان در حدی که با این نظر مطابقت دارد به نظر اکثریت اعضاء هیأت عمومی دیوان عالی کشور تأیید می شود.

این رأی بر طبق ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۱۳۷۸/۹/۲۳-۶۴۵

بسمه تعالیٰ

### رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نظر به این که بر طبق ماده ۶۴۰ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات مصوب ۱۳۷۵) که به موجب ماده ۷۲۹ همان قانون کلیه مقررات مغایر با آن ملغی شده، نگهداری، طرح، نقاشی، نوار سینما و ویدئو یا به طور کلی هرچیزی که عفت و اخلاق عمومی را جریحه دار نماید، در صورتی که به منظور تجارت و توزیع باشد جرم محسوب می‌شود، بنابراین صرف نگهداری وسایل مذبور در صورتی که تعداد آن معده برای امر تجاری و توزیع نباشد، از شمول ماده ۶۴۰ قانون مذکور خارج بوده و فاقد جنبه جزایی است. بنا به مراتب دادنامه صادره از شعبه چهارم دادگاه تجدیدنظر استان مرکزی (اراک) در حدی که با این نظر مطابقت دارد به نظر اکثریت اعضاء هیأت عمومی دیوان عالی کشور تأیید می‌شود.

این رأی به استناد ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور کیفری) برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۱۳۷۸/۹/۳۰-۶۴۶

بسمه تعالیٰ

### رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

هرچند به موجب تبصره ۱۲ قانون بودجه سال ۱۳۷۴ کل کشور، قانونگذار، کمیسیون خاصی را جهت رفع اختلاف مربوط به ساختمان‌ها و تأسیسات و اراضی مربوط به وزارت‌خانه‌ها و دستگاه‌ها دولتی و نهادهای انقلاب اسلامی، نیروهای انتظامی، شهرداری‌ها، سازمان تأمین اجتماعی و سازمان هلال احمر جمهوری اسلامی ایران تعیین و رأی آن را برای دستگاه‌های ذیربسط لازم الاجراء اعلام کرده است، لیکن با توجه به اصل ۱۵۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که دادگاه‌های دادگستری را مرجع رسمی تظلمات و شکایات شناخته و رأی وحدت رویه شماره ۵۱۶-۲۰ ۱۳۶۷/۱۰/۲۰ این هیأت هم قبلاً در همین زمینه و مبتنی بر مرجعیت عام مراجع قضایی در رسیدگی به دعاوی مطروحه اصدار یافته است، مضافاً اینکه قوانین بودجه علی الاصول دارای اعتبار یکساله می‌باشند و اجرای مجدد آن بعد از سپری شدن مدت یکسال نیاز به تصویب مجدد قانونگذار دارد، بناءً علیه‌هذا رأی شعبه ۱۷ دیوان عالی کشور که دادگاه‌های دادگستری را مرجع رسیدگی به این قبیل دعاوی دانسته، صحیح و منطبق با موازین قانونی تشخیص می‌گردد.

این رأی بر طبق ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۷۸/۱۰/۲۸-۶۴۷

بسمه تعالیٰ

### رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

منظور مقنن از تصویب ماده واحده قانون الحق یک تبصره به ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی مصوب سال ۱۳۷۶ با توجه به عبارات صدر تبصره و فلسفه وضع آن، حفظ ارزش ریالی مهریه زوجه است که معمولاً بر حسب وجه رایج (ریالی) تعیین می شود، اگرچه تاریخ وقوع عقد ازدواج مربوط به زمان قبل از تصویب تبصره مذبور باشد، با این وصف قانون مرقوم(تبصره الحقی) با ماده ۴ قانون مدنی مبایتی ندارد، لذا به جهات اشعاری رأی شعبه اول دادگاه تجدیدنظر استان قم که با این نظر مطابقت دارد به اکثریت آراء صحیح و موافق موازین شرع و قانون تشخیص می شود.  
این رأی بر طبق ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب سال ۱۳۷۸ در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۷۸/۱۱/۲۶-۶۴۸

بسمه تعالیٰ

## رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

مراد قانونگذار از ذکر جمله ((... دادگاه تجدیدنظر با توجه به دلیل ابرازی، رأی صادره را نقض و رسیدگی ماهوی خواهد کرد)) در تبصره سه ماده ۲۳۵ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری علی الاصول مرجعی است که نسبت به دادگاه صادر کننده رأیی که اعلام اشتباه در آن شده از حیث درجه و شأن عالی تر باشد، بنابراین و با توجه به این که دادگاه های همعرض حق نقض آراء صادره یکدیگر را ندارند و نظر به اصل ۱۶۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در خصوص نظارت عالیه دیوان عالی کشور بر اجرای صحیح قوانین در محاکم و نظر به این که دیوان عالی کشور از این حیث مرجع نقض و ابرام است، چنانچه مرجع تجدیدنظر دعوایی دادگاه تجدیدنظر استان باشد، مقامی که حق نقض رأی صادره از این دادگاه را دارد، دیوان عالی کشور خواهد بود. بنا به مواطعه رأی شعبه ۱۱ دیوان عالی کشور در مورد اعمال ماده ۲۳۵ قانون مجبور در حدی که متضمن نقض رأی صادره از شعبه نهم دادگاه تجدیدنظر استان مازندران است منطبق با موازین قانونی تشخیص می شود.

این رأی بر طبق ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب سال ۱۳۷۸ در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۱۳۷۹/۵-۶۴۹

بسمه تعالیٰ

### رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

از ماده ۱۲ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری چنین استنباط می شود که مقتنن به منظور تسریع در جبران خسارت متضرر از جرم مقرر داشته در صورتی که دادگاه متهم را مجرم تشخیص دهد مکلف است ضمن صدور حکم جزایی حکم ضرر و زیان را صادر نماید مگر آنکه پرونده معده برای اظهارنظر نباشد که در این صورت پس از تکمیل پرونده حکم ضرر و زیان صادر خواهد شد، بنابراین ماده مذکور دلالتی بر منع رسیدگی نسبت به امر ضرر و زیان در صورت صدور حکم برائت ندارد، بنابه مراتب و با توجه به ماده ۳ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب در خصوص صلاحیت عام دادگاه های عمومی و انقلاب در رسیدگی به کلیه امور مدنی، جزایی حسیبه رأی شعبه چهارم دادگاه استان مازندران که انطباق با این نظر دارد به اکثریت آراء اعضاء هیأت عمومی دیوان عالی کشور قانونی و مطابق موازین شرع تشخیص می شود.

این رأی بر طبق ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب سال ۱۳۷۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی ۶۵۰

رأی وحدت رویه درمورد پرونده ردیف ۱۵ - ۱۳۷۹ انشاء نگردیده است.

اداره کل وحدت رویه  
و  
نشر مذاکرات و آراء همایت عمومی



رأی شماره : ۱۳۷۹/۸/۳-۶۵۱

بسمه تعالیٰ

### رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

تبصره ماده ۲۲۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ مقرر داشته که به کلیه جرائم اشخاص کمتر از ۱۸ سال تمام بر طبق مقررات عمومی در دادگاه اطفال رسیدگی می شود و نظر به اینکه فلسفه وضع قانون دادگاه اطفال مبتنی بر تربیت و تهذیب می باشد و نیز خصوصیات جسمی و روانی و اصل عدم مسئولیت اطفال بزهکار ایجاب کرده که قانونگذار با رعایت قاعده حمایت از مجرم دادگاه خاصی را در مورد رسیدگی به مطلق جرائم آنها تشکیل دهد و با توجه به اینکه به موجب ماده ۳۰۸ قانون مژبور، دادگاه های عمومی و انقلاب فقط بر اساس این قانون عمل می نمایند و کلیه قوانین و مقررات مغایر با این قانون نسبت به دادگاه های عمومی و انقلاب الغاء گردیده است، لذا رأی صادره از شعبه سوم دادگاه تجدیدنظر استان گلستان که با این نظر انطباق دارد به اکثریت آراء اعضاء هیأت عمومی دیوان عالی کشور قانونی و مطابق موازین شرع تشخیص می شود.

این رأی بر طبق ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب سال ۱۳۷۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره ۱۳۸۰/۱/۲۸ - ۶۵۲

بسمه تعالیٰ

### رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

به موجب تبصره ۳ ماده ۲۸ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب، متقاضی تجدیدنظر از آراء کیفری باید مبلغ ده هزار ریال بابت هزینه دادرسی پردازد و چون بر طبق ماده ۵۲۹ قانون آیین دادرسی مدنی دادگاه‌های عمومی و انقلاب، ماده ۶۹۰ قانون آیین دادرسی مدنی در مورد معافیت دولت از پرداخت هزینه دادرسی نسخ شده است، علیه‌هذا با نکملی ایران در تعقیب شکایت کیفری موظف به تأثیه هزینه دادرسی می‌باشد و رأی شعبه چهارم دادگاه تجدیدنظر استان گرگان که با این نظر مطابقت دارد به اکثریت آراء اعضاء هیأت عمومی دیوان عالی کشور ابرام می‌گردد.

این رأی وفق ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی کیفری در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها لازم الاتباع می‌باشد.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

اداره کل وحدت رویه  
نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره: ۱۳۸۰/۷/۳-۶۵۳

بسمه تعالیٰ

### رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

دادسرا سازمان واحدی است که دادیاران در آنجا تحت ریاست و هدایت دادستان انجام وظیفه می‌نمایند و از حیث اظهار عقیده تابع نظر دادستان بوده و در موقع حضور در دادگاه بنام دادستان بیان عقیده می‌کنند بنابراین تجدیدنظر خواهی از ناحیه دادیار دادسرای نظامی به استناد بند ج ماده ۱۱ قانون تجدیدنظر آراء دادگاهها یکی از وظایف محوله به اوست و رأی شعبه ۳۱ دیوان عالی کشور که با این نظر انطباق دارد با اکثریت آراء اعضاء هیأت عمومی دیوان عالی کشور قانونی و منطبق با موازین شرع تشخیص می‌گردد.

این رأی به استناد ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی کیفری دادگاه‌های عمومی و انقلاب برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

اداره کل وحدت رویه  
نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره: ۱۳۸۰/۷/۱۰-۶۵۴

بسمه تعالیٰ

### رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

به موجب تبصره ماده ۱۸۵ قانون مجازات اسلامی دادگاه مکلف است که ایام بازداشت قبلی محکوم علیه در پرونده مورد حکم را از مجازات‌های تعزیری و یا بازدارنده کسر نماید. و چون حبس و جزای نقدی هردو یک‌نوع و از مجازات‌های تعزیری و بازدارنده می‌باشند و عدم محاسبه و مرعی نداشتن ایام بازداشت قبلی برخلاف حقوق و آزادیهای فردی است علیه‌هذا به حکم تبصره مذکور کسر مدت بازداشت از محکومیت جزای نقدی و احتساب و تبدیل آن به جزای نقدی قانونی است. بنابراین رأی شعبه دوم دادگاه نظامی یک فارس به شماره ۵۹۱ مورخ ۷۸/۱۱/۳ که با این نظر انطباق دارد به اکثریت آراء اعضاء هیأت عمومی دیوان عالی کشور صحیح و منطبق با موازین شرعی و قانونی تشخیص می‌گردد. این رأی مستند است.

به ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی کیفری برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها لازم الاتّباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره: ۱۳۸۰/۹/۲۷-۶۵۵

بسمه تعالیٰ

### رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

طبق اصل ۱۵۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و همانطوری که هیأت عمومی دیوان عالی کشور قبلًا و در رأی وحدت رویه شماره ۵۶۹۵-۱۳۷۰/۱۰/۱۰ اعلام نموده دادگستری مرجع رسمی تظلمات و رسیدگی به شکایات است و صلاحیت مراجع دادگستری صلاحیت عام مراجع دادگستری را منتفی نماید و براین اساس صلاحیت اداره تحقیق اوقاف در رسیدگی به موضوع تعیین متولی مانع از این نیست که دادگاه عمومی به دعوی مزبور رسیدگی نماید، بنابراین دادنامه شماره ۷۸/۷۸/۵/۳۱-۲۲/۲۷۲ دیوان عالی کشور که با این نظر مطابقت دارد صحیح تشخیص داده می‌شود. این رأی که به استناد ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری صادر گردیده، برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره: ۱۳۸۰/۱۱/۲۳-۶۵۶

بسمه تعالیٰ

### رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

رسیدگی دادگاه‌های نظامی وفق قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۲۹۰ و اصلاحیه‌های بعدی انجام می‌گیرد، و قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری صرفاً مربوط به نحوه رسیدگی محاکم عمومی و انقلاب بوده و قسمت اخیر ماده ۳۰۸ قانون اخیرالذکر نیز مؤید این معنی است، به علاوه اصل عدم شمول ماده ۱۷۳ قانون یاد شده نسبت به رسیدگی در محاکم نظامی است، بنا به مراتب رأی شعبه ۸ دادگاه نظامی تهران که با این نظر مطابقت دارد به نظر اکثریت اعضاء هیأت عمومی دیوان عالی کشور صحیح تشخیص و به استناد ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی کیفری دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره: ۶۵۷ - ۱۴/۱۲/۱۳۸۰

بسمه تعالیٰ

### رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

به موجب ماده ۱۳۶ مکرر قانون آیین دادرسی کیفری و ماده ۱۴۰ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری، در صورت احضار متهم و عدم حضور او بدون عذر موجه یا عدم معرفی وی از ناحیه کفیل یا وثیقه گذار نامبردگان مکلف به اجرای تعهد بوده و نسبت به وصول وجه التزام وجه الکفاله و یا خبط وثیقه اقدام می‌شود و چنانچه هر یک از افراد مذکور نسبت به اجرای این امر معتبرض باشند می‌توانند به جهات مندرج در ماده ۱۱۶ قانون مذبور به دادگاه تجدیدنظرشکایت نمایند. بنابراین اجرای حکم نمی‌تواند دستور قانونی رئیس حوزه قضائی را در مورد وصول وجه الکفاله ابطال نموده و یا رافع مسؤولیت کفیل باشد. بنا به مراتب آراء شعب ۲ و ۱۲ دادگاه تجدیدنظر به شماره‌های ۱۳۱۹ - ۷۸/۱۰/۷ و ۷۹/۴/۲۳-۳۸۴ که منطبق با این نظر است به اکثریت آراء اعضاء هیأت عمومی دیوان عالی کشور قانونی تشخیص و به استناد ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره: ۱۳۸۱/۱/۲۰ - ۶۵۸

بسمه تعالیٰ

### رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

به موجب ماده ۴۵ قانون اصلاح قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۵۵ هرگاه تابعیت فردی مورد تردید واقع شود شورای تأمین شهرستان موضوع را بررسی و اداره ثبت احوال براساس گزارش شورای مذکور مبادرت به اتخاذ تصمیم می‌نماید. و در صورت اعتراض معتبر، هیأت حل اختلاف مقرر در ماده سوم قانون ثبت احوال نسبت به موضوع رسیدگی و اظهار نظر می‌کند و تصمیم هیأت بر طبق ماده چهار قانون مذکور قابل اعتراض در دادگاه عمومی است. بنابر ادب، رأی شعبه ۱۷ دیوان عالی کشور که با این نظر مطابقت دارد به اکثریت آراء اعضاء هیأت عمومی صحیح و قانونی تشخیص می‌شود.

این رأی وفق ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۸۱/۳-۶۵۹

بسمه تعالیٰ

### رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

بر طبق ماده ۱۷۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، جرائمی که مجازات آنها از نوع بازدارنده باشد با حصول مرور زمان تعقیب آنها موقوف می‌شود. هرچند تجاوز به اراضی ملی شده و تصرف عدوانی آن اراضی با مورد لحاظ قراردادن ماده ۱۷ قانون مجازات اسلامی دارای مجازات بازدارنده است ولی چون جرم مذکور از جرائم مستمرمی باشد و تا وقتی که تصرف ادامه دارد موضوع مشمول مرور زمان نخواهد شد، علیه‌هذا رأی شعبه هشتم دادگاه تجدیدنظر استان اصفهان صرفاً از حیث نقض رأی صادره از شعبه سوم دادگاه عمومی دائر به موقوفی تعقیب به اکثریت آراء هیأت عمومی دیوان عالی کشور نتیجتاً قانونی تشخیص و مستند آبهماده ۲۷۰ قانون مذبور در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها لازم الاتّباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی وحدت رویه ۶۶۰ - ۱۳۸۲/۱/۱۹

بسمه تعالیٰ

### رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

دادگاههای عمومی و انقلاب و نظامی از حیث درجه برابرند؛ بنابراین در صورت حدوث اختلاف بین آنها در مورد صلاحیت، بر طبق ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی دیوان عالی کشور حل اختلاف می‌نماید و هرگاه این دادگاهها به صلاحیت مراجع غیرقضائی از خود نفی صلاحیت کنند و یا خود را صالح بدانند، به لحاظ برتری اعتبار قضائی آنها نسبت به مراجع غیرقضائی، نیازی به حدوث اختلاف نبوده و پرونده مستقیماً برای تشخیص صلاحیت به دیوان عالی کشور ارسال می‌شود. بنا به مراتب، رأی شعبه دوم دیوان عالی کشور که با این نظر مطابقت دارد، صحیح و خالی از اشکال است. علیهذا مستندًا به ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری در موارد مشابه برای دادگاهها و شعب دیوان عالی کشور لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی وحدت رویه شماره ۱۳۸۲/۷/۲۲-۶۶۱

بسمه تعالیٰ

### رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

هرچند عناوین جنحه و جنایت در قوانین جزایی فعلی بکار نرفته ولی ماده ۲۷۷ قانون آینه دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری هم به طور صریح یا ضمنی، مقررات ماده ۶ قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری را نسخ نکرده و به اعتبار خود باقی است و مغایرتی بین این دو ماده وجود ندارد؛ بنابراین رأی شعبه ۱۰ دادگاه نظامی یک تهران به شماره ۱۶۰۶-۸۰/۸/۱۵ که بر این اساس صادر گردیده، به اکثریت آراء اعضای هیأت عمومی دیوان عالی کشور صحیح و منطبق با قانون تشخیص می‌شود؛ این رأی به استناد ماده ۲۷۰ قانون آینه دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری در موارد مشابه، برای دادگاهها و شعب دیوان عالی کشور لازم الاتّباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره: ۸۲/۷/۲۹-۶۶۲  
(اصراری)

بسمه تعالیٰ

### رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

برطبق ماده ۲۶ قانون اعسار مصوب ۱۳۱۳ حکم‌رد یا قبول اعسار در مورد محکوم به قابل استیناف است و به موجب بند "ب" ماده ۳۳۱ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی کلیه احکام صادره در دعاوی غیر مالی قابل درخواست تجدیدنظر می‌باشد. بنابرآمارات و با توجه به غیرمالی بودن دعوی اعسار، رأی شعبه دوم دادگاه تجدیدنظر استان همدان که دعوی مذکور را قابل تجدیدنظر دانسته، مستندًا به ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری به اتفاق آراء اعضای هیأت عمومی دیوان عالی کشور صحیح و منطبق با قانون تشخیص و تأیید می‌شود.

این رأی در موارد مشابه برای دادگاه‌ها و شعب دیوان عالی کشور لازم الاتّباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

اداره کل وحدت رویه  
نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره ۱۳۸۲/۱۰/۲ - ۶۶۳

بسمه تعالیٰ

### رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

مستفاد از ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیتهای مالی مصوب سال ۱۳۷۷ تجویز رسیدگی به درخواست اعسار، قبل از زندانی شدن محکوم علیه است و ماده ۳ قانون یاد شده ناظر به رسیدگی خارج از نوبت درخواست اعسار محکومین زندانی است، علیه‌هذا برای رسیدگی به درخواست محکوم علیه قبل از حبس، منع قانونی وجود ندارد و زندانی بودن محکوم علیه، شرط لازم جهت اقامه دعوی اعسار از محکوم به یا درخواست تقسیط آن نمی‌باشد. بنابراین رأی شعبه سوم دادگاه تجدیدنظر استان اردبیل که مطابق این نظر صادر گردیده صحیح و منطبق با موازین تشخیص می‌گردد. این رأی به موجب ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری در موارد مشابه لازم الاتّباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۶۶۴-۱۰/۳۰/۱۳۸۲

### بسمه تعالیٰ

### رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

به موجب ماده پنجم قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب اسلامی مصوب پانزدهم تیر ماه هزار و سیصد و هفتاد و سه با اصلاحات والحققات بعدی، رسیدگی به جرایم ذیل مطلقاً در صلاحیت دادگاههای انقلاب اسلامی است.

- ۱- کلیه جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی و محاربه یا افساد فی الارض .
  - ۲- توهین به مقام بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و مقام معظم رهبری .
  - ۳- توطئه علیه جمهوری اسلامی یا اقدام مسلحانه و ترور و تخریب مؤسسات به منظور مقابله با نظام .
  - ۴- جاسوسی به نفع اجانب .
  - ۵- کلیه جرایم مربوط به قاچاق و مواد مخدر .
  - ۶- دعاوی مربوط به اصل ۴۹ قانون اساسی .
- و علیرغم اصلاحات والحققات مورخ ۱۳۸۱/۷/۲۸ این ماده کماکان به قوت خود باقی بوده و تغییر حاصل ننموده است و تبصره ذیل ماده ۴ اصلاحی قانون مرقوم صرفاً در مقام ایضاح ماده مربوطه است و به ماده بعداز خود که به طور واضح صلاحیت دادگاههای انقلاب اسلامی را احصاء نموده است، ارتباط ندارد. لهذا مقررات تبصره یک الحقیقی به ماده ۴ قانون یاد شده که به موجب آن رسیدگی به جرایمی که مجازات قانونی آنها اعدام میباشد را در صلاحیت دادگاههای کفری استان قرارداده است، منصرف از موارد صلاحیت ذاتی دادگاههای انقلاب اسلامی میباشد. بنابراین، رأی شعبه ۳۱ دیوان عالی کشور که بر این مبنی صادر شده صحیح و منطبق با موازین و مقررات تشخیص گردیده و تأیید میشود.

این رأی به موجب ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کفری در موارد مشابه برای دادگاهها و شعب دیوان عالی کشور لازم الاتباع است.



رأی شماره ۱۸/۶۶۵

بسمه تعالیٰ

### رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

برطبق قسمت اخیر ماده واحده قانون تعیین تکلیف اراضی اختلافی موضوع اجرای ماده ۵۶ قانون حفاظت و بهره برداری از جنگل‌ها و مراتع مصوب ۱۳۶۷/۶/۲۹ رأی قاضی هیأت مقرر در ماده مذبور در موارد سه‌گانه شرعی مذکور در مواد ۲۸۴ و ۲۸۴ مکرر قانون آئین دادرسی کیفری سابق قطعیت نداشته و قابل اعتراض است و رأی وحدت رویه شماره ۱۳۷۴/۷/۲۵ هیأت عمومی دیوان عالی کشور نیز مؤید همین معنی است. بنابراین رأی قاضی هیأت قابل اعتراض در دادگاه عمومی و سپس قابل تجدیدنظر در دادگاه تجدیدنظر استان می‌باشد. بنابراین رأی شعبه ۱۴ دادگاه تجدیدنظر استان مازندران که بر همین اساس صادر شده به اکثریت آراء تأییدمی‌گردد. این رأی برطبق ماده ۲۷۰ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌های عمومی لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره: ۱۳۸۳/۳/۱۹-۶۶۶

بسمه تعالیٰ

### رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

آنچه از نحوه تدوین بند الف ماده ۳۶۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مستفاد می‌شود، این است که رسیدگی فرجامی نسبت به احکام نکاح و فسخ آن صرفاً مربوط به اصل نکاح و فسخ آن می‌باشد و کلمه اصل به سایر موضوعات مذکور در بند ۲ ماده مزبور از جمله طلاق تسری ندارد، زیرا اولاً کلمه طلاق در جمله به طور مطلق ذکر شده، ثانياً کلمه طلاق با علامت (،) از اصل نکاح و فسخ آن تمایز گردیده است، بنابراین و با توجه به اهمیت طلاق از نظر شارع مقدس اسلام کلیه دعاوی مربوط به طلاق قابل رسیدگی فرجامی بوده و رأی شعبه سی ام دیوان عالی کشور که با این نظر انطباق دارد به اکثریت آراء اعضاء هیأت عمومی دیوان عالی کشور تأیید می‌شود. این رأی به استناد ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری برای دادگاه‌ها و شعب دیوان عالی کشور در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره: ۱۳۸۳/۴/۲۳ - ۶۶۷

بسمه تعالیٰ

### رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

هر چند با تأسیس دادگاه‌های عمومی در هر حوزه قضائی، رسیدگی به کلیه امور مدنی و جزائی و امور حسیبه با لحاظ قلمرو محلی به دادگاه‌های مذبور گردیده ولی با توجه به تفویض اختیارات دادستان عمومی به رؤسای محاکم عمومی انقلاب و رؤسای دادگستری شهرستان‌ها (تبصره ذیل ماده ۱۲ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب و ماده ۱۴ آیین‌نامه اجرائی قانون مذکور) و امکان انجام تحقیقات، زیر نظر حاکم دادگاه، وسیله قضات تحقیق و ضابطین دادگستری (تبصره ذیل ماده ۱۴ قانون مرقوم)، اهمیت نقش دادسراه‌ها و ضرورت تفتیش جرائم و تحقیقات مقدماتی جهت اتخاذ تصمیم قانونی، کما کان به قوت خود باقی است که در حال حاضر در محاکم نظامی، توسط دادستان نظامی با رعایت مقررات قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۲۹۰ و در دادگاه‌های عمومی طبق مقررات قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ توسط مراجع ذیربیط صورت می‌پذیرد و چون دادستان نظامی به حکم قسمت اخیر اصل ۱۷۲ قانون اساسی، بخشی از قوه قضائیه کشور بوده و در معیت دادگاه‌های نظامی انجام وظیفه می‌نماید و با عنایت به منزلت دیوان عالی کشور و تشکیل آن به منظور نظارت بر حسن اجرای قوانین و ایجاد وحدت رویه قضائی (اصل ۱۶۱ قانون اساسی)، به نظر اکثریت قاطع اعضای هیأت عمومی دیوان عالی کشور، اختلاف نظر دادستانی نظامی و دادگاه‌های عمومی در صلاحیت رسیدگی به جرائم، وفق ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، قابل طرح در دیوان عالی کشور بوده و رأی شعبه بیست و هفتم دیوان عالی کشور که متضمن این معنی است، صحیح تشخیص می‌گردد. این رأی طبق ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره: ۶۶۸ - ۱۴/۷/۱۳۸۳

بسمه تعالیٰ

### رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

به موجب تبصره ذیل ماده ۲۲۰ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری، به جرائم اشخاص بالغ کمتر از هجده سال تمام در دادگاه اطفال، مطابق قواعد عمومی رسیدگی می‌شود که در اجرای مفاد این تبصره، دادگاه اطفال شخص مجرم را به پرداخت دیه محکوم نموده است. اجرای این حکم با توجه به اطلاق ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۷۷ مستلزم پرداخت دیه از ناحیه محکوم علیه کیفری موصوف می‌باشد و می‌تواند طبق ماده ۳ قانون اخیرالذکر نسبت به پرداخت دیه مقرر مدعی اعسار شود، علیه‌ذابه نظر اکثریت اعضای هیأت عمومی دیوان عالی کشور، رأی شعبه نوزدهم دادگاه تجدیدنظر استان تهران در حدانطباق باموارد مذکور (استماع ادعای اعسار از پرداخت محکوم به از نوع دیه) صحیح و موافق موازین قانونی تشخیص گردید. این رأی مطابق ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری، برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره: ۱۳۸۳/۷/۲۱-۶۶۹

بسمه تعالیٰ

### رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

در رویه متدالوں سیستم یکپارچہ بانک‌ها، به دارنده چک اختیار داده شده است که علاوه بر شعبه افتتاح حساب، وجه آن را از سایر شعب نیز مطالبه نماید. بنابراین در صورت مراجعت دارنده چک در مهلت مقرر، به شعب دیگر و صدور گواهی عدم پرداخت از بانک مرجع ایه، بزه صدور چک بلا محل محقق و دادگاه محل وقوع جرم، صالح به رسیدگی خواهد بود و به عقیده اکثریت اعضای هیأت عمومی دیوان عالی کشور رأی شعبه سی و پنجم دیوان عالی کشور که با این نظر انطباق دارد، صحیح و موافق موازین قانونی تشخیص می‌گردد. این رأی براساس ماده ۳۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، برای کلیه شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها در موارد مشابه، لازم الاتباع می‌باشد.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

اداره کل وحدت رویه  
نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۱۳۸۳/۹/۱۰-۶۷۰

بسمه تعالیٰ

## رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

به موجب اصل یکصد و پنجاه و نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مرجع رسمی تظلمات و شکایات دادگستری است و تشکیل دادگاهها و تعیین صلاحیت آنها منوط به حکم قانون است و طبق ماده ۱۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، صلاحیت دادگاه‌های دادگستری، در رسیدگی به دعاوی، عام است مگر در مواردی که قانون مرجع دیگری را تعیین کرده باشد. با این مقدمه و با توجه به اینکه علی‌الاصول و بر حسب مستفاد از ماده ۲ و بند ۵ ماده ۵۱ و بند ۳ ماده ۲۹۶ و شقوق ۱ و ۲ ماده ۴۲۶ قانون اخیرالذکر، دادگاه‌ها در حدود خواسته خواهان به دعاوی رسیدگی می‌کنند به عبارت دیگر، دادگاه دعوی را فقط با توجه به صورتی که مدعی برای آنان قائل است مورد رسیدگی قرار می‌دهد و در پرونده‌های مطروح، خواهان به خواسته مطالبه وجه ناشی از کسر کالا و صدور قرار تأمین خواسته اقامه دعوی کرده است که با این ترتیب موضوع از شمول ماده ۵۱ قانون امور گمرکی خارج می‌باشد، بنابراین رأی شماره ۲۱/۱۰۰ دیوان عالی کشور که با جهات و مبانی فوق‌الاعشار مطابقت دارد، به اکثریت آراء صحیح تشخیص می‌شود. این رأی طبق ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها در موارد مشابه لازم‌الاتباع می‌باشد.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره: ۶۷۱ - ۱۳۸۳/۹/۱۷

بسمه تعالیٰ

### رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

ماده ۳۳ قانون مجازات اسلامی، الغای قرار تعليق اجرای مجازات جرم را در صورت ارتکاب جرم جدید در مدت تعليق، موكول براین دانسته است که جرم جدید مستوجب محکومیت مذکور در ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی باشد. نظریه اينکه بزه فرار از خدمت، برای بار دوم در شمار شرایط مندرج در ماده ۲۵ قانون مرقوم نیست، لذا لغو قرار تعليق اجرای حکم مجازات در اين مورد فاقد مبنای قانونی است. بنابراین به نظر اکثریت اعضاء هیأت عمومی دیوان عالی کشور، رأی شعبه سی و یکم دیوان عالی کشور که با این نظر مطابقت دارد نتیجتاً صحیح و منطبق بر موازین قانونی است. این رأی طبق ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۸۳/۱۰/۱ - ۶۷۲

بسمه تعالیٰ

### رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

خلع ید از اموال غیر منقول فرع بر مالکیت است، بنابراین طرح دعوای خلع ید از زمین قبل از احراز و اثبات مالکیت قابل استماع نیست. بنا به مراتب و با توجه به مواد ۴۶، ۴۷ و ۴۸ قانون ثبت اسناد و املاک رأی شعبه پنجم دادگاه تجدیدنظر استان به نظر اکثریت اعضاء هیأت عمومی دیوان عالی کشور که با این نظر انطباق دارد، صحیح و قانونی تشخیص می‌شود.

این رأی بر طبق ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

اداره کل وحدت رویه  
و  
نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره: ۱۳۸۳/۱۱/۶-۶۷۳

بسمه تعالیٰ

### رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

تبصره ۲۶۹ ماده قانون مجازات اسلامی و ماده ۶۱۴ این قانون برای مرتکبین جرائم مذکور در این مواد، در صورتی که بزه‌های ارتکابی سبب اخلال در نظام جامعه و یا خوف شده و یا بیم تحری مرتکب یا دیگران باشد، با شرایط مندرج در هریک از آنها، مجازات تعیین کرده است و هریک از این دو ماده صرفاً جرائمی را شامل است که از آنها نام برده شده و تداخلی هم بین آنها وجود ندارد.

بنابراین به نظر اکثریت قریب به اتفاق اعضای هیأت عمومی دیوان عالی کشور، رأی شعبه اول دادگاه تجدیدنظر استان سیستان و بلوچستان صحیح و منطبق با موازین قانونی تشخیص می‌گردد.

این رأی به استناد ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها در موارد مشابه لازم الاتباع می‌باشد.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره: ۶۷۴ - ۱/۳۰ / ۱۳۸۴

بسمه تعالیٰ

### رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

به موجب ماده ۳۹ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مواد ۲۳۵ و ۲۶۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری نسخ شده و صرفاً بر طبق ماده ۳۲ آیین نامه اصلاحی قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب و اصلاحات بعدی مصوب ۱۳۸۱/۱۱/۹ رئیس قوه قضائیه، در حوزه‌هایی که دادسرا تشکیل نگردیده به رئیس حوزه قضائی اجازه داده شده در صورتی که حکم کیفری را خلاف بین قانون یا شرع تشخیص دهد پرونده را برای رسیدگی مجدد به شعبه تشخیص دیوان عالی کشور ارسال نماید. بنابراین مراتب قانون مزبور با توجه به اعتبار قضیه محکوم به‌هاموضع حصر را مد نظر داشته نه تفسیر موسّع را و مطلقاً زیر مجموعه رئیس حوزه قضائی مورد نظر نبوده است. بنابراین به نظر اکثریت اعضاء هیأت عمومی دیوان عالی کشور رأی شعبه پنجم تشخیص دیوان عالی کشور که با این نظر انطباق دارد صحیح و موافق موازین قانونی می‌باشد.

این رأی به موجب ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها در موارد مشابه لازم‌الاتباع می‌باشد.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۱۳۸۴/۲/۱۳ - ۶۷۵

بسمه تعالیٰ

### رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

به موجب تبصره ماده ۳۴ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰ به وزارت‌خانه‌های مذکور در این قانون اجازه داده شده، برای جبران تعهدات و خسارت مربوطه، معادل مابه التفاوت ریالی نرخ روز ارز کلیه ارزهای پرداختی به دانشجو در زمان بازپرداخت و نرخ پرداخت شده قبلی را مطابق آیین‌نامه اجرایی مربوطه، از دانشجویان بورسیه یا اعزامی یا خامن‌های آنان یا متضامنًا دریافت نمایند و مفاد این تبصره با عنایت به قسمت اخیر ماده ۲ قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷ به گذشته تسری یافته و قراردادهای تنظیمی بین خامن و وزارت‌خانه‌های مورد نظر قانون مورد بحث نیز با توجه به ماده ۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی نمی‌تواند مانع حاکمیت مفاد تبصره مذبور باشد.

بنا به مراتب به نظر اکثریت اعضای هیأت عمومی دیوان عالی کشور، رأی شعبه هفتم دادگاه تجدیدنظر استان تهران صحیح و منطبق با موازین قانونی تشخیص می‌گردد.

این رأی وفق ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها لازم الاتّباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۱۳۸۴/۳/۱۰-۶۷۶

بسمه تعالیٰ

### رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

هر چند به صراحةً ماده ۵ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، رسیدگی به جرایم مربوط به قاچاق و مواد مخدر علی‌الاطلاق به دادگاه انقلاب منطقه یا استان محل گردیده ولی از آنجایی که مجمع تشخیص مصلحت نظام، با عنایت به اهمیت بزه قاچاق کالا و ارز و اثرات سوء آن، به منظور رعایت غبطة مملکت و ممانعت از بروز اختلالات بیشتر در امور ارزی، ضرورت تسریع در رسیدگی و اعمال مجازات قانونی خارج از تشریفات آیین دادرسی کیفری را مطابق تبصره ۱ ماده ۴ قانون اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۷۴ تجویر نموده و در ماده ۲ دستورالعمل مربوط به آن مقرر گردیده : «در شهرستان‌ها و بخش‌هایی که دادگاه انقلاب تشکیل نشده دادگاه‌های عمومی به پرونده‌های قاچاق کالا و ارز رسیدگی خواهند نمود.» با این تقدیر اصل صلاحیت قانونی دادگاه محلّ وقوع جرم، در صورت عدم تشکیل دادگاه انقلاب پذیرفته شده و به عقیده اکثریت اعضای هیأت عمومی دیوان عالی کشور رأی شعبه سی و سوم در حدی که با این نظر انطباق دارد صحیح تشخیص می‌گردد.

این رأی طبق ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها لازم‌الاتباع می‌باشد.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

تشزیفات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره: ۱۴/۶۷۷/۱۳۸۴

بسمه تعالیٰ

## رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

واضع جرایم واجد مجازات‌های بازدارنده حکومت است، زیرا مطابق ماده ۱۷ قانون مجازات اسلامی مصوب هزار و سیصد و هفتاد، کیفرهای مذکور برای حفظ نظم و مراعات مصلحت اجتماعی در مقابل تخلف از مقررات و نظامات حکومتی، اعمال می‌گردد و براساس تبصره ۱ ماده ۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ «تعزیرات شرعی عبارت است از مجازاتی که در شرع مقدس اسلام برای ارتکاب فعل حرام یا ترك واجب بدون تعیین نوع و مقدار مجازات مقرر گردیده...» و اصل حکم پرداخت و دریافت رشوه را نیز شرع اسور بیان فرموده‌اند و در مواد مربوط به موضوع، در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ و ماده ۳ قانون تشديد مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام اسلامی، به ممنوعیت مستخدمین دولتی، به طور کلی، اعم از قضایی و اداری، از دریافت رشوه، به هر عنوان، تصریح گردیده و در تبصره‌های ۲ و ۵ قانون اخیرالذکر، نوع مجازات را «تعزیری» اعلام نموده‌اند، لذا رشوه از عدد مجازات‌های بازدارنده که از طرف حکومت تعریف می‌گردد خارج و به حکم شرع دارای مجازات تعزیری بوده و مشمول مقررات ماده ۱۷۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری نمی‌باشد و به نظر اکثریت اعضای هیأت عمومی، رأی شعبه نهم تجدیدنظر استان اصفهان، در حدی که با این استنباط مطابقت داشته باشد، صحیح و موافق موازین قانونی تشخیص می‌گردد.

این رأی طبق ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی فوق الاشعار، در موارد مشابه، برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها لازم الاتّباع می‌باشد.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره: ۶۷۸ - ۱۳۸۴/۴/۲۸

بسمه تعالیٰ

### رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

قانون راجع به واگذاری معاملات ارزی به بانک ملی ایران مصوب ۱۳۲۶ و قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱ از جمله مقررات حکومتی است که به منظور رعایت مصالح عمومی و حفظ منافع ملی تصویب شده و مجازات‌های مقرر در آنها مجازات‌های بازدارنده می‌باشد و به موجب ماده ۱۷۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری جرایمی که مجازات آن‌ها از نوع مجازات بازدارنده یا اقدامات تأمینی و تربیتی باشد با تحقق شرایط مقرر در ماده مذکور مشمول مرور زمان تعقیب می‌شود.

بنا به مراتب به نظر اکثریت اعضاء هیأت عمومی دیوان عالی کشور رأی شعبه نهم دادگاه تجدیدنظر استان اصفهان که بر همین اساس صادر شده صحیح و منطبق با قانون تشخیص می‌گردد.

این رأی به استناد ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها لازم‌الاتباع می‌باشد

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره: ۱۳۸۴/۵/۱۸-۶۷۹

بسمه تعالیٰ

### رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

بر طبق ماده ۱۳۶ مکرر قانون آیین دادرسی کیفری سابق در صورتی که متهم در موقعی که حضور او لازم بوده و بدون عذر موجه حاضر نشود به دستور دادستان بر حسب مورد وجه التزام و وجه الکفاله اخذ و وثیقه ضبط می شود.

پس از تصویب قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ و اتحال دادسراهای بر طبق تبصره ماده ۱۲ قانون مذکور کلیه اختیاراتی که در سایر قوانین به عهده دادستان عمومی بوده به جز اختیاراتی که به موجب این قانون به رؤسای محاکم تفویض شده به رئیس دادگستری شهرستان و استان محول شد و سپس به استناد ماده ۱۴۰ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ به اختیارات رئیس حوزه قضایی تأکید می شود. تا اینکه با تصویب قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱ مجدداً دادسرا تأسیس و بر طبق ماده سوم همان قانون دادستان دارای اختیارات مقامی خویش می گردد. بنا به مراتب رأی شعبه هفتم دادگاه تجدیدنظر استان خراسان که بر همین اساس صادر شده به نظر اکثریت اعضاء هیأت عمومی دیوان عالی کشور منطبق با قانون تشخیص و مستند به ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۱۳۸۴/۵/۲۵-۶۸۰

بسمه تعالیٰ

### رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

برطبق مادتین ۲۰۶ و ۲۰۷ آیین نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور زندانی واجد شرایط با معرفی کفیل یا تودیع وثیقه می‌تواند از مرخصی استفاده کند و ماده ۲۱۴ آیین نامه مذکور نحوه اجرای قرار تأمین صادره در این مورد را مطابق مقررات ماده ۱۴۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب درامور کیفری تعیین کرده است.

بنا به مراتب رأی شعبه دوم دادگاه تجدیدنظر استان لرستان که با این نظر انطباق دارد به نظر اکثریت اعضاء هیأت عمومی دیوان عالی کشور صحیح و قانونی تشخیص می‌شود.

این رأی به استناد ماده ۲۷۰ قانون اخیرالذکر برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره: ۱۳۸۴/۷/۲۶-۶۸۱

بسمه تعالیٰ

### رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

به موجب ماده یکم تصویب‌نامه قانون ملی شدن جنگل‌های کشور مصوب ۱۳۴۱ عرصه و اعیانی کلیه جنگل‌ها و مراتع، بیشه‌های طبیعی و اراضی جنگلی کشور جزء اموال عمومی محسوب و متعلق به دولت است. ولو اینکه قبل از این تاریخ افراد آن را متصرف شده و سند مالکیت گرفته باشند و مطابق ماده ۲ قانون حفظ و حمایت از منابع طبیعی و ذخایر جنگلی کشور مصوب ۱۳۷۱/۷/۲۸ تشخیص منابع ملی و مستثنیات ماده ۲ قانون ملی شدن جنگل‌ها و مراتع با رعایت تعاریف مذکور در قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع با وزارت جهاد سازندگی است و به صرف تشخیص وزارت مذکور و قطعیت آن در مالکیت دولت قرار می‌گیرد و در خصوص مورد عدم صدور سند مالکیت بنام دولت جمهوری اسلامی ایران، نافی مالکیت دولت نسبت به منابع ملی شده که به ترتیب مقرر در ماده مرقوم احراز شده و قطعیت یافته باشد نخواهد بود.

بنابراین رأی شعبه ششم دادگاه تجدیدنظر استان خراسان که با این نظر انطباق دارد به نظر اکثریت اعضاء هیأت عمومی دیوان عالی کشور صحیح و قانونی تشخیص می‌شود.

این رأی به استناد ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها لازم الایتی است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۸۴/۱۰/۶ - ۶۸۲

بسمه تعالیٰ

### رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

به موجب بند ۶ ماده ۵ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب، رسیدگی به دعاوی مربوط به اصل ۴۹ قانون اساسی از جمله ثروت‌های ناشی از ربا، در صلاحیت دادگاه انقلاب می‌باشد و بر طبق ماده ۵۹۵ قانون مجازات اسلامی رسیدگی به جرم رباخواری در صلاحیت محاکم عمومی است.

بنا به مراتب رأی شعبه ۲۷ دیوان عالی کشور که بر همین اساس صدور یافته به نظر اکثربیت اعضاء هیأت عمومی دیوان عالی کشور منطبق با قانون تشخیص می‌شود.

این رأی به استناد ماده ۲۷۰ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره: ۱۳۸۴/۱۰/۱۳ - ۶۸۳

بسمه تعالیٰ

### رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

بر طبق ماده ۳۶۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ هر جنایتی که بر عضو کسی وارد شود و شرعاً مقدار خاصی به عنوان دیه برای آن تعیین نشده باشد جانی باید ارش بپردازد و در فصول مختلف باب نهم قانون مرقوم، مربوط به دیه اعضاء، ارش (دیه غیرمقدار) به عنوان مجازات قانونی مکرراً مورد عنایت قانونگذار واقع شده و در ماده ۴۷۴ این قانون نیز متزلف با دیه ذکر گردیده است لذا به نظر اکثریت اعضای هیأت عمومی وحدت رویه قضایی دیوان عالی کشور در مواردی که جمع صدمات وارد بر انان، ناشی از سبب واحد بوده و مجموع دیه مقدر و ارش زاید بر ثلث دیه کامل مرد مسلمان گردد در احتساب آن مقررات ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی ملاک عمل خواهد بود و رأی شعبه هشتم دادگاه تجدیدنظر استان آذربایجان غربی در حدی که با این نظر موافقت دارد صحیح و منطبق با موازین قانونی تشخیص می‌گردد.

این رأی برابر ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، در موارد مشابه برای دادگاه‌ها و شعب دیوان عالی کشور لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۱۳۸۴/۱۱/۶۸۴

بسمه تعالى

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور(کیفری)

به موجب قانون مجازات مرتکبین قاچاق، هر کس در مورد مالی که موضوع درآمد دولت باشد مرتکب قاچاق شود قابل تعقیب جزائی است، لیکن چنانچه عمل ارتکابی مرتکب واجد جنبه تجاری نبوده و کالای مکشوفه بر حسب عرف از نظر مقدار در حدود مصرف شخصی باشد و در مبادی ورودی کشور کشف نشود و امثال و نظائر آن در بازار بحد وفور در دسترس عموم باشد و مرتکب عالم به قاچاق بودن کالا نباشد، مورد فاقد جنبه جزائی است. بنابراین رأی شعبه ششم دادگاه تجدیدنظر استان اصفهان که با این نظر منطبق است بنظر اکثریت اعضاء هیأت عمومی دیوان عالی کشور صحیح و قانونی تشخیص می گردد.

این رأی مطابق ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری در موارد مشابه برای دادگاهها و شعب دیوان عالی کشور لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره: ۱۳۸۴/۱۲/۲۳-۶۸۵

بسمه تعالیٰ

### رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

اعمال ارتکابی متهمان در مورد تخریب منابع طبیعی و محیط زیست به منظور تصرف با ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی و در مورد قطع اشجار با ماده ۴۲ قانون حفاظت و بهره برداری از جنگل‌ها و مراتع منطبق است زیرا: هریک از اعمال ارتکابی واجد جنبه جزایی خاص بوده و از مصاديق ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی و تعدد مادی جرم، محسوب می‌گردد.

علیهذا به نظر اکثریت اعضای هیأت عمومی وحدت رویه قضایی دیوان عالی کشور رأی شعبه یازدهم دادگاه تجدیدنظر استان کرمانشاه که با این نظر انطباق دارد صحیح و قانونی تشخیص می‌گردد.

این رأی طبق ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره: ۱۳۸۵/۲/۶۸۶

بسمه تعالیٰ

## رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

به موجب تبصره ۱ ماده ۲۰ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب ، رسیدگی به جرایمی که مجازات آنها قصاص عضو یا قصاص نفس یا اعدام ... باشد در صلاحیت محاکم کیفری استان است و بر طبق مواد ۲۱۹ و ۲۲۰ قانون آینین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری به کلیه جرایم اشخاص بالغ کمتر از ۱۸ سال تمام در دادگاه اطفال رسیدگی می شود که رسیدگی در هر دو دادگاه رسیدگی بدوى است و مرجع تجدیدنظر آراء صادره از دادگاه اطفال که مجازات آنها قصاص نفس یا اعدام ... باشد دیوان عالی کشور است نه دادگاه کیفری استان . بنابراین مورد از شمول ماده ۳۰ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی خارج است و در صورت حدوث اختلاف بین دادگاه اطفال مستقر در حوزه قضایی یک استان و دادگاه کیفری همان استان ، مرجع حل اختلاف دیوان عالی کشور می باشد.

بنابه مراتب رأی شعبه ۱۶ دیوان عالی کشور که با این نظر انطباق دارد به نظر اکثریت اعضاء هیأت عمومی دیوان عالی کشور قانونی تشخیص می شود.

این رأی مستندًا به ماده ۲۷۰ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع می باشد.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی

جمهوری اسلامی ایران

قوه قضائیه

دیوان عالی کشور

اداره کل وحدت رویه و نشر مذکرات و آراء هیأت عمومی

رأی شماره: ۱۳۸۵/۲-۶۸۷

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

برابر تبصره ماده ۲۲۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸/۱/۲۲ به کلیه جرایم اشخاص بالغ کمتر از هجده سال تمام در دادگاه اطفال طبق مقررات عمومی رسیدگی می‌شود و مطابق تبصره یک ماده ۲۰ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱/۷/۲۱ رسیدگی به جرایم مستوجب قصاص عضو یا قصاص نفس یا اعدام یا رجم یا صلب و یا حبس ابد و نیز جرایم مطبوعاتی و سیاسی، در دادگاه تجدیدنظر استان که در این مورد دادگاه کیفری استان نامیده می‌شود، به عمل می‌آید و به موجب این تبصره، رسیدگی بدروی به جرایم مذکور در این قانون، با توجه به اهمیت آنها از نظر شدت مجازات و لزوم اعمال دقت بیشتر از حيث آثار اجتماعی، از صلاحیت عام و کلی دادگاه اطفال که با یک نفر قاضی اداره می‌شود به طور ضمنی متنزع گردیده و در صلاحیت انحصاری دادگاه کیفری استان که غالباً از پنج نفر قاضی تشکیل می‌یابد قرار داده شده است. بنا به مراتب فوق، به نظر اکثریت اعضای هیأت عمومی دیوان عالی کشور، صلاحیت کلی دادگاه‌های اطفال در رسیدگی به تمامی جرایم اشخاص بالغ کمتر از هجده سال تمام، با تصویب تبصره ماده ۲۰ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱، منحصراً در رسیدگی به جرایم مذکور در این تبصره، مستثنی گردیده است و رأی شعبه بیستم دیوان عالی کشور در حدی که با این نظر انطباق دارد صحیح و قانونی تشخیص می‌گردد. این رأی وفق ماده ۲۷۰ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، در موارد مشابه برای کلیه دادگاه‌ها و شعب دیوان عالی کشور لازم الاتّبع می‌باشد.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره: ۱۳۸۵/۳/۲۳-۶۸۸

بسمه تعالیٰ

## رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نظر به اینکه چک با وصف فقدان طبع تجاری، از جهت اقامه دعوی توجههاً به ماده ۳۱۴ قانون تجارت، مشمول قواعد مربوط به بروات، موضوع بند ۸ ماده ۲ قانون تجارت است و از این منظر به لحاظ صلاحیت از مصاديق قسمت فراز ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی به شمار می رود. نظر به اینکه در همان حال، محل صدور چک در وجه ثالث، با تکیه بر ترکیب «محال علیه» در ماده ۳۱۰ قانون تجارت نوعی حواله محسوب است که قواعد ماده ۷۲۴ قانون مدنی حاکم بر آن می باشد و از این نظر با توجه به مبلغ مقید در آن جزء اموال منقول بوده و همچنان مصداقی از ماده ۱۳ مسبوق الذکر می تواند باشد، بی تردید دارنده چک می تواند تغییراً به دادگاه محل وقوع عقد یا قرارداد یعنی محل صدور چک، یا به دادگاه محل انجام تعهد، یعنی محل استقرار بانک محال علیه و یا با عنایت به قاعده عمومی صلاحیت نسبی موضوع ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی برای اقامه دعوی به دادگاه محل اقامت خوانده مراجعه کند. با وصف مراتب رجوع دارنده چک به هر یک از دادگاه های یاد شده توجههاً به ماده ۳۶ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب برای آن دادگاه در رسیدگی به دعوا ایجاد صلاحیت خواهد کرد. در نتیجه اکثریت اعضاء هیأت عمومی وحدت رویه دیوان عالی کشور رأی شعبه ۱۷ دیوان عالی کشور را که متناسب این معنی است صحیح و قانونی تشخیص داده است و این رأی باستناد ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۸۵/۴/۲۰ - ۶۸۹

بسمه تعالیٰ

### رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور (کیفری)

طبق قوانین مصوب، صلاحیت دادگاهها در امور کیفری از حیث رسیدگی تابع نوع مجازات و میزان آن است، بنابراین رسیدگی به تجدیدنظرخواهی شاکی در مورد اتهام متهم به ارتکاب قتل عمد، با توجه به نوع مجازات آن در صلاحیت دیوان عالی کشور است و رسیدگی به اعتراض معتبر نسبت به آراء قطعی با شعب تشخیص دیوان عالی کشور می باشد. علیهذا تا زمانیکه رأیی قطعیت حاصل نکرده، شعب تشخیص صالح به رسیدگی نخواهد بود، حال چنانچه بدرخواست تجدیدنظر در مرجع غیرصالح رسیدگی ولی اعتراض فوق العاده نسبت به آن به شعبه تشخیص محول شده باشد، به این لحاظ که یک مرحله از رسیدگی در مرجع صالح انجام نگرفته و رأی مرجع فاقد صلاحیت قانونی نیز بلاثر می باشد، اعاده پرونده جهت طرح در مرجع واجد صلاحیت صحیح و منطبق با قانون است. بنابراین بنظر اکثریت اعضای هیأت عمومی، رأی شعبه چهل و دوم دیوان عالی کشور صحیح و قانونی تشخیص و به استناد ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۸۵/۵/۳ - ۶۹۰

بسمه تعالیٰ

### رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

با توجه به بند ((ن)) از ماده ۳ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱/۷/۲۸، قرار منع تعقیب صادره از بازپرسی به تقاضای شاکی خصوصی قابل اعتراض در دادگاه صالحه بوده و نظر دادگاه در اینمورد قطعی و غیرقابل تجدیدنظر است، علیهذا به نظر اکثرب قریب به اتفاق اعضاء هیأت عمومی وحدت رویه دیوان عالی کشور، رأی شعبه شانزدهم دادگاه تجدیدنظر استان تهران که با این نظر منطبق است قانونی تشخیص و مورد تأیید است.

این رأی باستناد ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها لازم الاتباع خواهدبود.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۸۵/۷/۱۱ - ۶۹۱

بسمه تعالیٰ

### رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

با توجه به ماده ۴۲ قانون مجازات اسلامی که مقرر داشته : (( دیه شکستن استخوان هر عضوی که برای آن عضو دیه معینی است خمس آن می باشد ... )) بنابراین چنانچه دو استخوان از یک عضو نیز شکسته شود برای هر استخوان طبق ماده مذکور بایستی دیه جداگانه تعیین شود علیهذا به نظر اکثریت اعضاء هیأت عمومی وحدت رویه دیوان عالی کشور رأی شعبه چهارم دادگاه تجدیدنظر استان همدان که با این نظر منطبق است قانونی تشخیص و مورد تأیید است. این رأی باستاند ماده ۳۷۰ از قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاههای عمومی لازم اتباع خواهد بود.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۸۵/۷/۱۸ - ۶۹۲

بسمه تعالیٰ

### رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

بموجب تبصره ۳ ماده ۱ قانون آموزش مداوم جامعه پزشکی کشور مصوب ۱۳۷۵/۲/۱۲ مجلس شورای اسلامی کلیه شاغلان حرفه های وابسته پزشکی که بنحوی دارای مؤسسه یا دفتر کار هستند و خدماتی مانند ساخت عینک طبی ارائه می نمایند و کلیه مشمولان قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و داروئی و مواد خوردنی و آشامیدنی موظف به شرکت در دوره های خاص آموزش مداوم هستند و صدور و تجدید مجوز کار آنها منوط به ارائه گواهی شرکت در این دوره است بنابراین بر حسب مفاد تبصره مذبور تصدی به امر ساخت عینک طبی محتاج الیه داشتن پروانه کار از وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی است و رأی شعبه دهم دادگاه تجدیدنظر استان کرمانشاه به نظر اکثرب قریب باتفاق اعضای هیأت عمومی وحدت رویه قضایی دیوان عالی کشور در حدی که با این نظر مطابقت داشته باشد صحیح و قانونی تشخیص می گردد این رأی بر اساس ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها لازم الاتبع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

شرعاً کرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۱۳۸۵/۸/۶۹۳

بسمه تعالیٰ

### رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

عناوین شکایات اداره منابع طبیعی در پرونده های کلاسه ۸۴/۷۶/۶۵/۸۴ شعب بیست و هشتم و چهل و یکم دیوان عالی کشور، موضوع گزارش شماره ۱۳۸۵/۵/۳۰ ۱۴۰/۸۵۲/۲/۵۶/۵۱ مورخه ۱۳۸۵/۵/۳۰ عبارت است از رفع تجاوز از اراضی ملی شده، که چون با استنبط از ماده ۵۶ قانون حفاظت و بهره برداری از جنگلها یا ماده واحده قانون تعیین تکلیف اراضی اختلافی موضوع اجرای آن مصوب ۱۳۶۷/۶/۲۲ آراء مختلف صادر نشده است، لذا به نظر اکثریت اعضای هیأت عمومی دیوان عالی کشور گزارش مذکور غیرقابل طرح تشخیص می گردد.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۸۵/۸/۹ - ۶۹۴

بسمه تعالیٰ

### رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نظر به اینکه به موجب قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱/۷/۲۸ و ماده ۱۰۵ آئین نامه اصلاحی قانون مذکور، اختیار دادستان که از او سلب شده بود، مجدداً به وی اعطاء شده و دستور ضبط وثیقه یا وجه الکفاله یا وجه الالتزام نیز حسب رأی وحدت رویه قضایی ۶۷۹ - ۱۳۸۴ از وظایف دادستان تشخیص داده شده و در ماده ۳ اصلاحی قانون مرقوم، در موارد متعدد به صلاحیت دادگاه عمومی در رسیدگی به اعتراضات معموله نسبت به تصمیمات دادسرا تصریح گردیده و مطابق اصول کلی و روح حاکم بر آئین دادرسی کیفری، تصمیمات دادسرا در دادگاهی که آن دادسرا در معیت آن انجام وظیفه می نماید قابل اعتراض می باشد و چون در حال حاضر به اعتبار تشکیل دادسراهای عمومی و انقلاب در سراسر کشور دیگر دستور ضبط وثیقه از ناحیه رئیس حوزه قضائی صادر نمی گردد، لذا به نظر اکثریت اعضای هیأت عمومی دیوان عالی کشور، رأی شعبه سوم دادگاه تجدیدنظر استان خوزستان مبنی بر صلاحیت دادگاه عمومی در رسیدگی به اعتراض نسبت به دستور ضبط وثیقه توسط دادستان، صحیح و منطبق با موازین قانونی تشخیص می گردد.

این رأی طبق ماده ۲۷۰ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری، در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها لازم الاتباع می باشد.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۱۳۸۵/۹/۷ - ۶۹۵

بسمه تعالیٰ

## رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

طبق ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری، در صورتیکه با استنباط از قوانین در شعب دیوان عالی کشور و یا دادگاهها آرای مختلفی صادر شود، به منظور ایجاد وحدت رویه در هیأت عمومی دیوان عالی کشور مطرح می شود. در مانحن فیه شعبه یازدهم دیوان عالی کشور (تشخیص) رأی شماره ۱۴۳۶/۱۲۳۶-۱ را نسبت به ماهیت قضیه صادر و برای اعمال ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی احراز مالکیت شاکی تصرف عدوانی را ضروری دانسته است، امارأی شماره ۱۳/۳۶۲۰-۱۳/۲۴-۸۳/۱۱ شعبه سیزدهم دیوان عالی کشور (تشخیص) در خصوص تقاضای اعاده دادرسی است لیکن وارد ماهیت موضوع شده و برای اعمال ماده ۶۹۰ مرقوم سبق تصرف شاکی و لحقوق تصرف مشتکی عنه را کافی دانسته است و حال آنکه شعبه سیزدهم در مقام رسیدگی به تقاضای اعاده دادرسی فقط باید تقاضا را با شقوق هفتگانه ماده ۲۷۳ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری تطبیق داده و در صورت منطبق بودن، اعاده دادرسی را تجویز، در غیر اینصورت رد نماید.

بنابراین به نظر اکثریت اعضای هیأت عمومی دیوان عالی کشور موضوع از موارد مقرر در ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی در امور کیفری تشخیص داده نشد.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۱۳۸۵/۹/۱۴ - ۶۹۶

بسمه تعالیٰ

## رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

تعريف تعزیرات شرعی در تبصره یک ماده ۲ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب سال ۱۳۷۸ مندرج است و مطابق ماده ۱۷۵ قانون مجازات اسلامی کیفرهای بازدارنده، تأدیب یا عقوبتی است که از طرف حکومت به منظور حفظ نظم و مراعات مصلحت اجتماع از طرف حکومت مقرر می‌گردد. نظر به اینکه قانونگذار انتقال مال غیر را با علم به اینکه مال غیر است، در حکم کلاهبرداری و مشمول مجازات آن دانسته و اقدام به این امر نیز ماهیتاً از مصاديق اکل مال به باطل به شمار می‌آید که شرعاً حرام محسوب گردیده، لذا به نظر اکثريت اعضای هیأت عمومی دیوان عالی کشور بزه انتقال مال غیر موضوعاً از شمول مقررات ماده ۱۷۳ قانون مرقوم خارج است و رأی شعبه سوم دادگاه تجدیدنظر استان گلستان صحیح و قانونی تشخیص می‌گردد.

این رأی طبق ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره: ۸۵/۱۱/۲۴ - ۶۹۷:

بسمه تعالیٰ

### رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

قطع نظر از اینکه بموجب رأی شماره ۳/۷۶ ۱۰/۱۰-هـ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مرجع صالح به اعتراضات موضوع قانون تعیین تکلیف اراضی اختلافی اجرای قانون حفاظت و بهره برداری از جنگلها و مراتع- فارغ از محل وقوع اراضی مربوطه- هیأت موضوع ماده واحده قانون تعیین تکلیف اراضی اختلافی موضوع اجرای ماده ۵۶ قانون جنگلها و مراتع شناخته شده و بموجب قسمت اخیر ماده ۲۰ قانون دیوان عدالت اداری رأی اکثریت هیأت عمومی دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع مربوطه من جمله هیأت موضوع ماده واحده فوق الذکر در موارد مشابه لازم الاتباع است، اساساً با لحاظ تبصره ۲ و اطلاق و عموم تبصره ۵ ماده واحده فوق الذکر از تاریخ تصویب آن ماده واحده کلیه قوانین و مقررات و آیین نامه های مغایر با این قانون لغو و تنها مرجع رسیدگی به شکایات مربوط به اجرای ماده ۵۶ قانون جنگلها و مراتع و اصلاحیه های آن هیأت موضوع این قانون خواهد بود ، بنابر این رأی شماره ۵۱۳-۵ ۸۳/۸/۲۶ شعبه ۳۸ دیوان عالی کشور که با این نظر مطابقت دارد از نظر اکثریت قاطع اعضاء هیأت عمومی دیوان عالی کشور صحیح تشخیص و مورد تأیید است.

این رأی بر طبق ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاههادر موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

سرمذکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۸۶/۱/۲۱-۶۹۸

بسمه تعالیٰ

### رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

تعیین کیفر در حدود مقررات ماده ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی با احراز عمدی بودن قتل بطريق مقتضی و سایر شرایط مذکور در این ماده ملازمه داشته و رسیدگی به آن نیز بر اساس تبصره ۱ ماده ۲۰ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب، از خصائص دادگاه کیفری استان می باشد و رأی صادر شده از دادگاه کیفری استان نیز ظرف مهلتی که برای تجدیدنظرخواهی مقرر گردیده قابل رسیدگی در دیوان عالی کشور است. بنابر اتاب بنظر اکثریت اعضای هیأت عمومی دیوان عالی کشور حکم محکومیت به حبس موضوع ماده ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی نیز قابل رسیدگی در دیوان عالی کشور بوده و رأی شعبه بیست و هفتم دیوان عالی کشور که با این نظر مطابقت دارد صحیح و قانونی تشخیص می گردد.

این رأی طبق ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری در موارد مشابه برای دادگاهها و شعب دیوان عالی کشور لازم الاتباع می باشد.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۸۶/۳/۲۲-۶۹۹

بسمه تعالیٰ

### رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

قانونگذار برای آراء صادره از مراجع غیر دادگستری نوعاً مرجعی را برای رسیدگی با اعترافات و رفع اشتباهات احتمالی تعیین نموده است، در حالی که برای رسیدگی با اعتراف نسبت به آراء کمیسیون ماده ۷۷ قانون شهرداری که ابتداً رسیدگی می نماید چنین مرجعی پیش بینی نشده است، بنابراین، همانطور که بموجب اصل یکصد و هفتاد و سوم قانون اساسی و ماده ۱۳ قانون دیوان عدالت اداری مردم می توانند اعترافات خود را در دیوان عدالت اداری مطرح نمایند، سازمانهای دولتی نیز می توانند برای رفع هر نوع تخلف احتمالی از قانون، در صدور آراء کمیسیون ماده ۷۷ از حیث نقض قوانین یا مقررات و مخالفت با آنها، به مراجع دادگستری که مرجع تظلم عمومی است مراجعه نمایند و بنظر اکثریت اعضاء هیأت عمومی دیوان عالی کشور رأی شعبه ۳۵ دادگاه تجدیدنظر استان تهران در حدی که با این نظر تطابق داشته باشد صحیح تشخیص می گردد.

این رأی بموجب ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۸۶/۴/۱۲-۷۰۰

بسمه تعالیٰ

### رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

چون مطابق ماده ۳ اصلاحی ۱۳۸۱/۱/۲۸ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب، دادسرای در حوزه قضایی شهرستان تشکیل و در معیت دادگاههای آن حوزه انجام وظیفه می‌نماید و طبق تبصره ۶ الحاقی به ماده مرقوم- در حوزه قضایی بخش- رئیس یا دادرس علی البیل دادگاه در جرائمی که رسیدگی به آنها در صلاحیت دادگاه کیفری استان است، بجانشینی بازپرس، تحت نظارت دادستان مربوطه اقدام می‌نمایند و در سایر جرائم باید تا تصویب آیین دادرسی مربوطه وفق مقررات آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ و این قانون رسیدگی و به صدور رأی اقدام نمایند، لهذا نظارت دادستان شهرستان در انجام وظایف مذکور در بند الف ماده فوق الذکر -در حوزه قضایی بخش- به موارد مربوط به صلاحیت دادگاه کیفری استان محدود بوده و در سایر جرائم دادستان نظارتی نداشته، نتیجتاً نیازی به صدور کیفرخواست نمی‌باشد ، بر این اساس به نظر اکثریت اعضای هیأت عمومی دیوان عالی کشور، رأی شعبه چهارم دادگاه تجدیدنظر استان کردستان صحیح و منطبق با موازین قانونی تشخیص می‌گردد. این رأی طبق ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها لازم الاتباع می‌باشد.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۸۶/۵/۲-۷۰۲

بسمه تعالیٰ

### رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

واگذاری اراضی کشاورزی به زارعین صاحب نسق و تشخیص استحقاق و تعیین مقدار زمینی که به هر یک از آنها واگذار می شود بر اساس ضوابط و مقررات خاص قانون اصلاحات ارضی است و در صورتیکه در نحوه این واگذاری و یا تنظیم سند اشتباهی رخ دهد بمحض ماده ۳۸ آیین نامه قانونی مصوب کمیسیون مشترک مجلسین (مرجع صالح در زمان تصویب) شورای اصلاحات ارضی آن را اصلاح می نماید. شورای انقلاب اسلامی در ۵۹/۹/۷ با الحاق یک تبصره به آیین نامه مذکور و نیز در ۵۹/۲/۱۳ اصلاح تبصره ۳ ماده ۲ لایحه قانونی راجع به تکمیل پاره ای از مواد قانون اصلاحات ارضی تلویحاً آنرا تأیید نموده است، لذا با عنایت به قسمت اخیر اصل ۱۵۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی بنظر اکثریت اعضاء هیأت عمومی دیوان عالی کشور رأی شماره ۸۲۰/۸۳ شعبه ۲۱ دیوان عالی کشور که با این نظر مطابقت دارد صحیحاً صادر شده و تأیید می گردد.

این رأی به موجب ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها لازم الاتباع می باشد.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۸۶/۵/۹-۷۰۳

بسمه تعالیٰ

### رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

ماده ۲۱ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب سال ۱۳۸۱ علی الاطلاق مرجع تجدیدنظر آراء دادگاههای عمومی، حقوقی، جزایی و انقلاب را دادگاه تجدیدنظر استان محل استقرار آن دادگاهها و مرجع فرجمخواهی آراء دادگاه کیفری استان را دیوان عالی کشور دانسته و ماده ۳۹ الحاقی به قانون اصلاحی مرقوم کلیه قوانین و مقررات مغایر از جمله ماده ۲۳۳ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری را در آن قسمت که مغایرت دارد ملغی نموده است بنابراین به نظر اکثریت اعضای هیأت عمومی رأی شعبه سی و پنجم دیوان عالی کشور صحیح و منطبق با موازین قانونی تشخیص می گردد.

این رأی مطابق ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها لازم الاتباع می باشد.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۸۶/۷/۲۴ - ۷۰۴

بسمه تعالیٰ

### رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

طبق بند اول ماده پنجم قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱، به کلیه جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور و محاربه و یا افساد فی الارض در دادگاه های انقلاب اسلامی رسیدگی می گردد و رسیدگی به جرائم مذکور در بند های مختلف ماده یک قانون مجازات اخلاقگران در نظام اقتصادی کشور نیز در صورتی که طبق ماده ۲ این قانون به قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران یا به قصد مقابله با آن و یا با علم به مؤثر بودن اقدام در مقابله با نظام مذبور باشد، به لحاظ اینکه متنضم اقدام علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور است، با این دادگاه ها خواهد بود و در سایر موارد بعلت نسخ ضمی تبصره ۶ ماده ۲ قانون اخیر الذکر در این قسمت، دادگاه های عمومی صلاحیت رسیدگی خواهند داشت. بنابراین به نظر اکثریت اعضای هیأت عمومی دیوان عالی کشور رأی شعبه سی و سوم دیوان عالی کشور در حدی که با این نظر مطابقت داشته باشد صحیح و قانونی تشخیص می گردد. این رأی بر اساس ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

شمردا کرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۸۶/۸/۱-۷۰۵

بسمه تعالیٰ

### رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

چون مطابق ماده سیزده قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ ((در دعاوی بازرگانی و دعاوی راجع به اموال منقول که از عقد و قرارداد ناشی شده باشد، خواهان می تواند به دادگاهی رجوع کند که عقد یا قرارداد در حوزه آن واقع شده است یا تعهد می بایست در آنجا انجام شود.)) و مهر نیز از عقد نکاح ناشی شده و طبق ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی، به مجرد عقد، بر ذمہ زوج مستقر می گردد و بدلالت ماده ۲۰ همان قانون کلیه دیون از حیث صلاحیت محاکم در حکم منقول می باشد، لذا بنظر اکثریت قریب باتفاق اعضای هیأت عمومی دیوان عالی کشور دعوی مطالبه مهریه از حیث صلاحیت دادگاه رسیدگی کننده مشمول مقررات ماده ۱۳ قانون مرقوم بوده و رأی شعبه بیست و چهارم دیوان عالی کشور که با این نظر مطابقت دارد صحیح و قانونی تشخیص می گردد.

این رأی بر اساس ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ برای کلیه شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع می باشد.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره: ۷۰۶-۸۶/۹/۲۰

بسمه تعالیٰ

## رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

طبق ماده ۱۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۰ و اصلاحات بعدی آن، هرگاه کسی متهم به ارتکاب چند جرم از درجات مختلفه باشد، در دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به مhem ترین جرم را دارد محاکمه می‌گردد و مطابق تبصره ذیل ماده ۳ قانون تجدیدنظر آراء دادگاه‌ها مصوب ۱۳۷۲، اگر در محلی دادگاه نظامی دو نباشد به جرائم در صلاحیت این دادگاه‌ها نیز در دادگاه نظامی یک رسیدگی می‌شود و در این صورت احکام دادگاه‌های نظامی یک که به جانشینی دادگاه‌های نظامی دو صادر گردیده قابل اعتراض در دادگاه نظامی یک هم عرض خواهد بود، ولی اگر دادگاه نظامی یک باستاند ماده ۱۹۷ قانون مرقوم و تبصره ذیل آن و به تبع جرم مhem تر به جرائم در صلاحیت دادگاه‌های نظامی یک و دو توأم رسیدگی نماید به اعتبار قابلیت تجدیدنظر احکام دادگاه‌های نظامی یک در دیوان عالی کشور و لزوم رسیدگی توأم، به کلیه اعتراضات واصله باید در دیوان عالی کشور رسیدگی شود، لذا به نظر اکثرب قریب به اتفاق اعضای هیأت عمومی دیوان عالی کشور رأی شعبه سی و یکم که با این نظر انطباق دارد صحیح و قانونی تشخیص می‌گردد.

این رأی مطابق ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ در موارد مشابه برای دادگاه‌ها و شعب دیوان عالی کشور لازم الاتباع می‌باشد.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

جمهوری اسلامی ایران

قوه قضائیه

دیوان عالی کشور

اداره گل وحدت رویه و نشر مذکرات و آراء هیأت عمومی

رأی شماره : ۸۶/۱۲/۲۱-۷۰۷

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

چون مطابق ماده ۳ قانون اصلاح قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغ‌ها مصوب ۱۳۷۴/۳/۳۱، کلیه مالکان یا متصرفان اراضی زراعی و باغ‌های موضوع این قانون که به صورت غیرمجاز و بدون اخذ مجوز از کمیسیون مربوطه اقدام به تغییر کاربری نمایند، علاوه بر قلع و قمع بنا به سایر مجازات‌های مذکور در این ماده محکوم می‌شوند و عبارت ((... علاوه بر قلع و قمع بنا ...)) در صدر مجازات‌های مقرره به تقدم آن نسبت به مجازات‌های دیگر ماده مذبور، دلالت می‌نماید و معلوم می‌دارد که قلع و قمع بنا جزء لاینگ حکم کیفری است کما اینکه در تبصره ۲ ماده ۱۰ این قانون نیز جلوگیری از ادامه عملیات غیرمجاز و توقف آن، حتی به صورت قلع و قمع بنای غیرمجاز، البته با رعایت مقررات قانونی به مأمورین کشف و تعقیب بزه موصوف تکلیف گردیده است، لذا با توجه به اهمیت حفظ کاربری اراضی زراعی و باغها و صراحت قانونی فوق الاشعار، صدور حکم به قلع و قمع بنای غیرمجاز، به عنوان تکلیف قانونی، وظیفه دادگاه صادر کننده حکم کیفری بوده و نیازی به تقدیم دادخواست از سوی اداره شاکی ندارد، لذا به نظر اکثریت قریب به اتفاق اعضای هیأت عمومی دیوان عالی کشور، رأی شعبه هشتم دادگاه تجدیدنظر استان گلستان در حدی که با این نظر مطابقت داشته باشد صحیح و قانونی تشخیص می‌گردد. این رأی طبق ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری در موارد مشابه برای دادگاه‌های سراسر کشور و شعب دیوان عالی کشور لازم الاتباع می‌باشد.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره: ۱۳۸۷/۵/۲۲-۷۰۸

بسمه تعالیٰ

## رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

به موجب ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی زن می تواند تا مهر به او تسليم نشده از ایفاء وظایفی که در مقابل شوهر دارد امتناع کند، مشروط بر اینکه مهر او حال باشد. ضمناً در صورت احراز عسرت زوج، وی می تواند که مهر را به نحو اقساط پرداخت کند. با توجه به حکم قانونی ماده مذکور که مطلق مهر موردنظر بوده و با عنایت به میزان مهر که با توافق طرفین تعیین گردیده، صدور حکم تقسیط که صرفاً ناشی از عسر و حرج زوج در پرداخت یکجای مهر بوده مسقط حق حبس زوجه نیست و حق او را مخدوش و حاکمیت اراده وی را متزلزل نمی سازد، مگر به رضای مشارالیها، زیرا اولاً حق حبس و حرج دو مقوله جداگانه است که یکی در دیگری مؤثر نیست. ثانیاً موضوع مهر در ماده مزبور دلالت صریح به دریافت کل مهر داشته و اخذ قسط یا اقساطی از آن دلیل بر دریافت مهر به معنای آنچه موردنظر زوجه در هنگام عقد نکاح بوده، نیست. بنابر مراتب رأی شعبه ۱۹ دادگاه تجدیدنظر استان اصفهان که موافق با این نظر است منطبق با قانون تشخیص می شود.

این رأی بر طبق ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری در موارد مشابه برای دادگاه ها و شعب دیوان عالی کشور لازم الاتباع می باشد.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۱۳۸۷/۱۱/۱-۷۰۹

بسمه تعالیٰ

### رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

مستفاد از اصول کلی حقوقی و مواد ۵۴ و ۱۸۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، هرگاه متهم به ارتکاب چند جرم از درجات مختلف باشد دادگاهی باید به اتهامات او رسیدگی نماید که صلاحیت رسیدگی به مهم‌ترین جرم را دارد. با این ترتیب به نظر اکثریت اعضاء هیأت عمومی دیوان عالی کشور در صورتی که یکی از اتهامات متهم از جرایمی باشد که رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه کیفری استان است، این دادگاه باید به اتهامات دیگر او نیز که در صلاحیت دادگاه عمومی است رسیدگی نماید. همچنین چنانچه بزهی به اعتبار ترتیب یکی از مجازات‌های مندرج در تبصره الحقی به ماده ۴ اصلاحی قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱/۷/۲۸ در دادگاه کیفری استان مطرح گردد و دادگاه پس از رسیدگی تشخیص دهد عمل ارتکابی عنوان مجرمانه دیگری دارد که رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه عمومی جزایی است، این امر موجب نفی صلاحیت دادگاه نخواهد بود و باید به این بزه رسیدگی و حکم مقتضی صادر نماید. آراء دادگاه کیفری استان در موارد فوق قابل تجدیدنظر در دیوان عالی کشور است.

این رأی طبق ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها لازم‌الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۸۸/۱/۱۸-۷۱۰

بسمه تعالیٰ

### رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نظر به اینکه به موجب بند «ل» ماده ۳ اصلاحی قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱/۷/۲۸: هرگاه بین بازپرس و دادستان توافق عقیده در مجرمیت یا منع و یا موقوفی تعقیب متهم نباشد، رفع اختلاف حسب مورد در دادگاه عمومی و انقلاب محل بعمل می‌آید و این دستور قانونی بر کلیه جرائم صرفنظر از نوع آن اطلاق دارد، لذا عبارت «دادگاه صالحه» مندرج در بند «ن» ماده ۳ قانون مذکور به قرینه قسمت اخیر بند «ل» همان ماده دادگاه عمومی و انقلاب است، بنابراین رأی شعبه یازدهم دیوان عالی کشور به نظر اکثریت اعضاء حاضر در هیأت عمومی دیوان عالی کشور صحیح و منطبق با قانون تشخیص می‌گردد.

این رأی طبق ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها لازم‌الاتّباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۸۸/۳/۱۹ - ۷۱۱

بسمه تعالیٰ

### رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نظر به اینکه آراء موضوع گزارش پرونده ردیف ۱۷/۸۷ هیأت عمومی دیوان عالی کشور از جهات موضوع و مواد قانونی مورد استناد متفاوت می باشد، لذا به نظر اکثریت اعضاي حاضر در جلسه قادر موقعيت بحث و اتخاذ تصميم قانوني تشخيص و از ردیف پرونده های موضوع ماده ۲۷۰ قانون آيین دادرسي دادگاه های عمومي و انقلاب در امور كيفري حذف می گردد.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

اداره کل وحدت رویه  
و  
نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره: ۱۳۸۸/۱۰/۱۵-۷۱۳

بسمه تعالیٰ

### رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

بنا به حکم مقرر در ماده ۴۵ قانون توزیع عادلانه آب مصوب ۱۳۶۱/۱۲/۱۶ حفرچاه یا قنات یا بهره‌برداری از منابع آب بدون رعایت مقررات قانونی مزبور ممنوع است و مرتكب علاوه بر اعاده وضع سابق و جبران خسارات واردشده به مجازات مقرر در آن ماده نیز محکوم می‌گردد. بنابراین اکثریت اعضای هیأت عمومی دیوان عالی کشور رأی شعبه دوازده دادگاه تجدیدنظر استان خراسان رضوی که محکومیت مرتكب را به مسلوب المنفعه نمودن چاه موضوع دعوى و پرداخت خسارت واردشده به آب خوان زیرزمینی تأیید نموده است، صحیح و قانونی تشخیص می‌گردد. این رأی طبق ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

اداره کل وحدت رویه  
نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره: ۱۳۸۸/۱۲/۱۱-۷۱۴

بسمه تعالیٰ

## رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

طبق اصل سی و چهارم قانون اساسی: ((دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید ... و هیچ کس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد)) انتخاب وکیل هم بنا به حکم مقرر در اصل سی و پنجم قانون اساسی از حقوق اصحاب دعواست و قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی نیز با تأکید بر حق مدعیین در انتخاب وکیل، در ماده ۲ مقرر داشته: ((هیچ دادگاهی نمی‌تواند به دعوایی رسیدگی کند مگر اینکه شخص یا شخص ذی نفع یا وکیل یا قائم مقام یا نماینده قانونی آنان رسیدگی به دعوا را برابر قانون درخواست نموده باشند.)) و در ماده ۳۹ تصریح کرده: ((در صورتی که وکیل استعفای خود را به دادگاه اطلاع دهد، دادگاه به موکل اخطار می‌کند که شخصاً یا توسط وکیل جدید، دادرسی را تعقیب نماید...)) همچنین قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری مصوب ۱۳۵۶ در فصل هشتم در قسمت اخیر ماده ۴ یادآور شده که اجرای مقررات این فصل نباید حق تظلم و مراجعه مستقیم و بدون مانع اشخاص به دادگاهها و دیوان عالی کشور را از آنان سلب نماید، بنابراین به نظر اکثریت قریب به اتفاق اعضای هیأت عمومی دیوان عالی کشور برای اقامه دعاوی حقوقی، شکایت از آراء و دفاع از آنها دخالت وکیل قانوناً الزامی نیست و دادنامه شماره ۱۲۰-۱۲۲۰/۸/۲۷ ۱۳۸۵ شعبه پانزدهم دادگاه تجدیدنظر استان تهران که با این نظر مطابقت دارد نتیجتاً صحیح و منطبق با موازین قانونی تشخیص می‌گردد. این رأی طبق ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها لازم الاتّباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۸۹/۱/۲۴-۷۱۵

بسمه تعالیٰ

### رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

بنا به حکم مقرر در ماده ۱۶ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب رسیدگی این دادگاه‌ها باید طبق مقررات قانون آینین دادرسی انجام شود، همچنین به صراحت ماده ۲۲ اصلاحی قانون یادشده رسیدگی دادگاه تجدیدنظر به درخواست تجدیدنظر از احکام قابل تجدیدنظر دادگاه‌های عمومی جزایی و انقلاب باید وفق مقررات قانون آینین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸/۶/۲۸ به عمل آید و ماده ۱۸ اصلاحی قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب نیز که در تاریخ ۱۳۸۵/۱۰/۲۴ و مؤخر بر ماده ۲۱ قانون یادشده تصویب گردیده تصریح و تأکید کرده است که تجدیدنظر و فرجام خواهی از آراء قابل تجدیدنظر یا فرجام دادگاه‌های عمومی و انقلاب طبق مقررات قانون آینین دادرسی انجام می‌شود، بنابراین مستفاد از مواد مذکور این است که آراء دادگاه‌های عمومی جزایی و انقلاب در مواردی که مجازات قانونی جرم اعدام باشد قابل تجدیدنظر در دیوان عالی کشور است و به نظر اکثریت اعضاء هیأت عمومی دیوان عالی کشور رأی شعبه سی و یکم دیوان عالی کشور که نتیجتاً با این نظر مطابقت دارد صحیح و منطبق با موازین قانونی است. این رأی طبق ماده ۲۷۰ قانون آینین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و کلیه دادگاه‌ها لازم الاتّباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۱۳۸۹/۷/۲۰ - ۷۱۶

بسمه تعالیٰ

### رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نظریه اینکه مطابق ماده ۱۱۰ قانون مدنی تمکین از زوج تکلیف قانونی زوجه است، بنابراین در صورتی که بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع و زوج این امر را در دادگاه اثبات و با اخذ اجازه از دادگاه همسر دیگری اختیار نماید، وکالت زوجه از زوج در طلاق که به حکم ماده ۱۱۱ قانون مدنی ضمن عقدنکاح شرط و مراتب در سند ازدواج ذیل بند ب شرایط ضمن عقد در ردیف ۱۲ قید گردیده، محقق و قابل اعمال نیست، لذا به نظر اکثریت اعضاء هیأت عمومی دیوان عالی کشور رأی شعبه چهارم دادگاه تجدیدنظر استان همدان که با این نظر انطباق دارد مورد تأیید است. این رأی طبق ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و کلیه دادگاه ها لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره: ۱۳۹۰/۶-۷۱۷

بسمه تعالیٰ

### رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

بر حسب مستفاد از ماده ۳۳۷ قانون مجازات اسلامی هرگاه برخورد دو یا چند وسیله نقلیه متنه‌ی به قتل سرنشین یا سرنشینان آنها گردد، مسؤولیت هریک از رانندگان در صورت تقصیر- به هرمیزان که باشد- به نحو تساوی خواهد بود، بنابراین رأی شعبه بیست و هفتم دیوان عالی کشور که مطابق این نظر صادر شده، با اکثریت آراء موافق قانون تشخیص و تأیید می‌گردد. این رأی طبق ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و کلیه دادگاه‌ها لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

اداره کل وحدت رویه  
نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره: ۱۳۹۰/۲/۱۳-۷۱۸

بسمه تعالیٰ

### رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

مستفاد از ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی این است که زن در صورت حال بودن مهر می‌تواند تا مهر به او تسليم نشده از ایفاء مطلق وظایفی که شرعاً و قانوناً در برابر شوهر دارد امتناع نماید، بنابراین رأی شعبه پنجم دادگاه تجدیدنظر استان لرستان که با این نظر انطباق دارد به اکثریت آراء صحیح و قانونی تشخیص و تأیید می‌گردد. این رأی طبق ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و کلیه دادگاه‌ها لازم اتباع است..

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

اداره کل وحدت رویه  
نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره: ۱۳۹۰/۲۰-۷۱۹

بسمه تعالیٰ

### رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

مستفاد از مقررات قانون امور حسبی راجع به تقسیم، تقسیم ترکه در صورت عدم تراضی ورثه امری است که محتاج رسیدگی قضایی است و باید در دادگاه به عمل آید. همین حکم در موردی هم که ترکه منحصر به یک یا چند مال غیرمنقول باشد جاری است، بنابراین آراء شعب پنجم و بیست و یکم دیوان عالی کشور که تقسیم ترکه غیرمنقول را از صلاحیت واحد ثبتی محل وقوع مال خارج و در صلاحیت دادگاه دانسته به اکثریت آراء صحیح و منطبق با موازین قانونی است. این رأی طبق ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌های سراسر کشور لازم الاتّباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

اداره کل وحدت رویه  
نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۱۳۹۰/۳-۷۲۰

بسمه تعالیٰ

### رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

مطابق مقررات مواد ۳۰، ۳۶، ۳۹ و ۴۰ قانون تأمین اجتماعی کارفرما مسؤول پرداخت حق بیمه سهم خود و بیمه شده در مهلت مقرر در قانون به سازمان تأمین اجتماعی است و در صورت خودداری از انجام این تکلیف، سازمان تأمین اجتماعی مکلف به وصول حق بیمه از کارفرما و ارائه خدمت به بیمه شده می باشد؛ بنابراین در صورتی که کارفرما در ایام اشتغال بیمه شده به تکلیف قانونی خود عمل ننماید و بیمه شده خواستار الزام او به انجام تکلیف پرداخت حق بیمه ایام اشتغال و پذیرش آن از سوی سازمان تأمین اجتماعی گردد، رسیدگی به موضوع در صلاحیت سازمان تأمین اجتماعی محل خواهد بود، لذا رأی شماره ۱۳۸۸/۱/۱۱-۲۷ شعبه دوم دادگاه عمومی نجف آباد در حد نفی صلاحیت دادگاه ( که طبق رأی شماره ۱۲۶/۴/۱-۰۰۸۸ شعبه بیست و پنجم دیوان عالی کشور تأیید شده ) به اکثریت آراء صحیح و منطبق با موازین قانونی تشخیص می گردد. این رأی طبق ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه های سراسر کشور لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۹۰/۴/۲۱-۷۲۱

بسمه تعالیٰ

### رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

وقوع بزه مزاحمت برای اشخاص به وسیله تلفن یا دستگاه‌های مخابراتی دیگر - موضوع ماده ۶۴۱ قانون مجازات اسلامی - منوط به آن است که نتیجه آن که مقصود مرتکب است محقق گردد، بنابراین در مواردی که اجرای مزاحمت از یک حوزه قضایی شروع و نتیجه آن در حوزه قضایی دیگر حاصل شود، محل حدوث نتیجه مزبور، محل وقوع جرم محسوب و مناطق صلاحیت دادگاه رسیدگی کننده نیز همین امر خواهد بود. بر این اساس رأی شماره ۱۰۴۵-۱۳۸۵/۷/۲۰ شعبه بیست و هفتم دیوان عالی کشور که با این نظر مطابقت دارد به اکثریت آراء صحیح و منطبق با موازین قانون تشخیص می‌گردد. این رأی طبق ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌های سراسر کشور لازم الاتّباع است. /م

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

اداره کل وحدت رویه  
نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۱۳۹۰/۱۰/۱۳ - ۷۲۲

بسمه تعالیٰ

### رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

مستفاد از صدر ماده ۲۴ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب سال ۱۳۷۹ و لحاظ مقررات قانون اعسار مصوب سال ۱۳۱۳ این است که دعوی اعسار که مديون در اثناء رسیدگی به دعوی داین اقامه کرده قابل استماع است و دادگاه به لحاظ ارتباط آنها باید بهر دو دعوی یکجا رسیدگی و پس از صدور حکم بر محاکومیت مديون در مورد دعوی اعسار او نیز رأی مقتضی صادر نماید؛ بنابراین رأی شعبه چهارم دادگاه تجدیدنظر استان همدان در حدی که با این نظر انطباق دارد به اکثریت آراء صحیح و قانونی تشخیص می‌شود. این رأی طبق ماده ۳۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و کلیه دادگاه‌ها لازم الاتّباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۹۰/۱۰/۲۷-۷۲۳

بسمه تعالیٰ

### رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

مستفاد از مواد ۲۰، ۲۱ و ۳۷ قانون اعسار مصوب سال ۱۳۱۳ این است که چنانچه مديون سند لازم‌الاجرا که منتهی به صدور اجراییه از سوی اداره ثبت گردیده است به ادعای اعسار از پرداخت وجه آن، درخواست تقسیط بنماید در صورتی که دائن با آن موافق نباشد تقسیط وجه سند لازم‌الاجرا از سوی اداره ثبت منوط به اثبات اعسار مديون از پرداخت دفعتاً واحده آن در دادگاه صالح است، بنابه مراتب رأی شعبه بیست و چهارم دیوان عالی کشور که موافق با این نظر است به اکثریت قریب به اتفاق آراء صحیح و منطبق با قانون تشخیص می‌شود. این رأی طبق ماده ۳۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب درامور کیفری در موارد مشابه برای کلیه شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها لازم‌الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

اداره کل وحدت رویه  
نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره: ۱۳۹۱/۱/۲۲-۷۲۴

بسمه تعالیٰ

## رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

تغییر کاربری اراضی زراعی تا پانصد مترمربع، برای سکونت شخصی صاحبان زمین اگر با اجازه اعضای کمیسیون موضوع تبصره یک اصلاحی سال ۱۳۸۵ ماده یک قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغها باشد، طبق تبصره یک ماده دو این قانون فقط برای یک بار از پرداخت عوارض قانونی معاف خواهد بود.

مفاد این تبصره به معافیت از مجازات افرادی که بدون اخذ مجوز از کمیسیون مذبور اقدام به تغییر کاربری کرده‌اند دلالت نمی‌نماید زیرا ماده ۳ قانون مرقوم، این قبیل اشخاص را کلاً قبل تعقیب دانسته و موارد استثنایی و خارج از شمول مجازات نیز در تبصره ۴ همین ماده صراحتاً ذکر گردیده است لذا به نظر اکثریت اعضای هیأت عمومی دیوان عالی کشور تغییر غیرمجاز کاربری اراضی زراعی و باغها به منظور سکونت مطلقاً ممنوع و مرتکبین آن قابل تعقیب کیفری می‌باشند و رأی شعبه دهم دادگاه تجدیدنظر مازندران در حدی که با این نظر مطابقت داشته باشد صحیح و قانونی تشخیص می‌گردد. این رأی طبق ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب درامور کیفری، در موارد مشابه برای کلیه شعب دادگاه‌ها و دیوان عالی کشور لازم الاتباع خواهد بود.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

شرعاً کرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره: ۱۳۹۱/۴/۲۰-۷۲۵

بسمه تعالیٰ

### رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

به نظر اکثریت قریب به اتفاق اعضای هیأت عمومی دیوان عالی کشور، احکام دادگاه‌ها در مقام رسیدگی به شکایت مذکور در قسمت اخیر فراز اول ماده ۱۴۷ قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶ و تعیین تکلیف نهایی آن، مطابق مقررات کلی آیین‌دادرسی، قابل تجدیدنظر بوده و رأی شعبه نهم دادگاه تجدیدنظر استان گلستان که بر این اساس صادر گردیده است صحیح و قانونی تشخیص می‌گردد. این رأی مطابق ماده ۲۷۰ قانون آیین‌دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، برای کلیه دادگاه‌ها و شعب دیوان عالی کشور در موارد مشابه لازم‌الاتّباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

اداره کل وحدت رویه  
نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۱۳۹۱/۴/۲۷-۷۲۶

بسمه تعالیٰ

### رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

ماده ۴ قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۵۵ که دادگاه محل اقامت خواهان را صالح برای رسیدگی به دعاوی راجع به اسناد ثبت احوال اعلام کرده است بر حسب مستفاد از ماده ۲۵ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی با مقررات این قانون مغایرت ندارد؛ بنابراین مراتب رأی شعبه هجدهم دیوان عالی کشور که با این نظر انطباق دارد موافق قانون تشخیص و به اکثریت آراء تأیید می گردد. این رأی طبق ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

اداره کل وحدت رویه  
و  
نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۱۳۹۱/۹/۲۱-۷۲۷

بسمه تعالیٰ

### رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

چون ماده ۴۵ قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب ۱۳۱۲/۱۲/۲۹ که مقصود از قاچاق اسلحه را وارد کردن به مملکت و یا صادر کردن از آن یا خرید و فروش و یا حمل و نقل و یا مخفی کردن و نگاهداشتن آن در داخل مملکت عنوان کرده بود، طبق ماده ۲۱ قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیر مجاز مصوب ۱۳۹۰/۶/۷ لغو گردیده و در ماده یک این قانون قاچاق سلاح، مهمات، اقلام و مواد تحت کنترل وارد کردن آنها به کشور یا خارج نمودن آنها از کشور به طور غیر مجاز تعریف شده است، لذا به نظر اکثریت اعضای هیأت عمومی دیوان عالی کشور خرید و فروش، حمل و نقل، مخفی کردن و نگاهداشتن سلاح، مهمات، اقلام و مواد تحت کنترل به طور غیر مجاز از شمول عنوان قاچاق خارج و رسیدگی به این جرایم در صلاحیت دادگاه عمومی است. این رأی به استناد ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری صادر شده و برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتّباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره: ۱۳۹۱/۹/۲۸-۷۲۸

بسمه تعالیٰ

### رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

تبصره ۱ ماده ۴ قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۷۴/۲/۱۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام که رسیدگی به پرونده‌های موضوع این قانون را تابع تشریفات آیین‌دادرسی قرار نداده است دلالت بر غیر قابل تجدیدنظر بودن آراء دادگاه‌ها درخصوص جرایم موضوع قانون مذبور ندارد و برحسب مستفاد از اصول کلی حقوقی ((تجددنظر احکام))، ماده ۲۳۲ قانون آیین‌دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری بر آراء دادگاه‌ها در این موارد حاکم است، بنابراین رأی شعبه شانزدهم دیوان عالی کشور در حدی که با این نظر انطباق دارد به اکثریت آراء صحیح و قانونی تشخیص می‌گردد. این رأی طبق ماده ۲۷۰ قانون آیین‌دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۹۱/۱۲/۷۲۹

بسمه تعالیٰ

### رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نظر به اینکه در صلاحیت محلی، اصل صلاحیت دادگاه محل وقوع جرم است و این اصل در قانون جرایم رایانه‌ای نیز - مستفاد از ماده ۲۹ - مورد تأکید قانون گذار قرار گرفته، بنابراین در جرم کلاهبرداری مرتبط با رایانه هرگاه تمهید مقدمات و نتیجه حاصل از آن در حوزه‌های قضائی مختلف صورت گرفته باشد، دادگاهی که بانک افتتاح‌کننده حساب زیان دیده از بزه که پول به طور متقلبانه از آن برداشت شده در حوزه آن قرارداد صالح به رسیدگی است. بنابه مراتب آراء شعب یازدهم وسی و دوم دیوان عالی کشور که براساس این نظر صادر شده به اکثریت آراء صحیح و قانونی تشخیص و تأیید می‌گردد. این رأی طبق ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور